



دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۴ برابر ۱۹ اوت ۱۹۸۵
 بهار ۶۰ - خیابان سال دوم - شماره ۷

دیگر جنبه‌های گزینش برای رژیم اهمیت دارد. از ۴۴۰ هزار دیپلمه داوطلب که در کنکور سراسری شرکت کرده‌اند، تنها در حدود ۴۰ هزار نفر پذیرفته خواهند شد. ۹۰ درصد بقیه تکلیفشان از هم اکنون روشن است آنها به صف بیکاران خواهند پیوست و یا به جبهه‌های جنگ کشانده خواهند شد. از میان ۴۰ هزار پذیرفته شده، بخش مهمی را سهمیه نهادهایی چون سپاه، بسیج، کمیته‌ها، بنیاد شهید و دیگر نورچشمی‌های رژیم تشکیل می‌دهند. از کل سهمیه پذیرش دانشگاهها تنها رقم محدودی به کسانی داده شده که به نهادهای حکومتی وابسته نیستند و این بقیه در صفحه ۷

نتایج آزمون سراسری که در تاریخ ششم تیرماه برگزار گردیده تاکنون اعلام نشده است. اواخر نیمه اول مرداد ماه دبیر شورای مرکزی گزینش دانشجو، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان درباره علت تاخیر اعلام نتایج کنکور سراسری توضیح داد که به دلیل ناماهنگی بین به اصطلاح مسئولین گزینش علمی، اخلاقی و امنیتی آزمون سراسری، شورای مرکزی گزینش قادر نیست تاریخ دقیق اعلام نتایج را ذکر کند. وی در این مصاحبه ضمن تاکید بر ضرورت سختگیری در تحقیقات در باره پذیرفته شدگان گفت که تحقیق در مورد داوطلبان بیش از

پایان نمایش انتخاباتی، آغاز درگیری‌های تازه

نمایش انتخابات ریاست جمهوری در روز جمعه هفته گذشته، به پایان رسید. فتوای مکرر صادر شد، نپذیردها و عوامفریبی‌های همیشگی تکرار و تکرار شد و نمایشی برپا گردید که از همیشه تماشایی‌تری داشت. پایان این نمایش از هم اکنون معلوم است و در واقع از آغاز آن مشخص بود: فامنه‌ای چهار سال دیگر بر مسند ریاست جمهوری اسلامی تکیه خواهد کرد.

کاندیداهای ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان بر نمی‌گردد باید توجه داشت شورای نگهبان، نهادی مهم از نظامی است که دست به دست گشتن قدرت در میان پاره‌های آن، بر طبق قوانین داخلی حیات خود این نظام صورت می‌گیرد. برای روشن شدن موضوع لازم است به یک ویژگی مهم این نظام از زاویه درگیریها و کنش و واکنش‌های درونی آن توجه داشته باشیم. حاکمیت‌هایی همچون حاکمیت جمهوری اسلامی - بویژه اگر پس از یک انقلاب توده‌ای عظیم بر سر کار آمده باشند - این خصلت را دارند که سیاستمداران و دولتمردان "سنتی" را به کنار می‌نهند و چهره‌های جدیدی را وارد عرصه قدرت می‌کنند. اگر جز این باشد، توهم آفرینی میسر نخواهد بود. اما وقتی رژیم جدید، به حد کافی "بوروکراتیزه" شد، دیگر صاحب دولتمردان و سیاستمداران "سنتی" خود است و از این پس به سختی می‌تواند چهره‌های جدیدی رایسازد و بر روی صحنه قدرت به نمایش بقیه در صفحه ۲

حول انتخابات ریاست جمهوری، ظاهراً جبهه‌بندیها و سته‌کشی‌های پرمعنی در درون حاکمیت شکل نگرفت. ظاهراً قابلیت‌های انتخاباتی جدی نبودند و سته‌بندیها فضای التهاب آور و شش‌آمیزی ایجاد نمی‌کردند. این در حالی است که اختلافات حاد درون حاکمیت به همان شدت گذشته بر جای مانده است و حتی خود حاکمیت نیز اینجا و آنجا صراحتاً بدان اذعان کرد.

نمود نیافتن دسته بندیهای رصه قدرت، صرفاً به حذف ۴۷ نفر از

گفتگوی "اکثریت" با دو تن از رهبران جنبش جهانی صلح

اینک جنبش جهانی صلح اوج تازه‌ای می‌یابد. ابراز نفرت جهانیان از جنگ و ویرانی که بازتاب خویش را در بزرگداشت با شکوه چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم یافت و ابراز انزجار میلیونها انسان صلح‌دوست و آزاد اندیش جهان در ماه جاری نسبت به بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، در سالگرد این جنایت عظیم امپریالیست‌های آمریکائی، و فریاد رسای صلح خواهی نمایندگان دهها و صدها میلیون جوان سراسر جهان در جشنواره مسکو، نشانه‌هایی از این موج نیرومند است. مناسب دیدیم که در این عرصه گفتگوهای با شخصیت‌های برجسته جنبش جهانی صلح داشته باشیم.

گفتگو با "گوردون شیفر" عضو شورای جهانی صلح

آقای "گوردون شیفر" عضو شورای جهانی صلح و دبیر انجمن صلح بریتانیا در گفتگو با خبرنگار "اکثریت" به توضیح مسائل کنونی در ارتباط با صلح جهانی پرداخت. وی در مورد جنبش فزاینده صلح در اروپا اظهار داشت:

"در حال حاضر بررسی اوضاع جهان نشان می‌دهد که ما در شرایط خطرناکی هستیم. در آمریکا، انگلستان و آلمان غربی ارتجاعی‌ترین دولتها بر سر کار هستند. در عین حال در جهان جنبش صلح و مبارزه علیه گرایشات جنگ طلبانه نیز قوام می‌یابد و می‌تواند این شرایط خطرناک

را تغییر دهد. بعنوان مثال در خود آلمان غربی جنبش صلح بسیار گسترده است. در یونان چندی پیش راهپیمایی‌های عظیمی برای صلح وجود داشته است. از طرف دیگر مسئله مبارزه و مقاومت علیه سیاستهای آمریکا در آمریکای جنوبی، بالاحص مبارزه و مقاومت درخشان مردم نیکاراگوئه در مقابل سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا مطرح است. تمام این حقایق نشان می‌دهد که مبارزه گسترده‌ای در جهت انزوای تمایلات متمرکز جنگ طلبانه وجود دارد. ولی در حال حاضر شرایط و اوضاع جهان

بقیه در صفحه ۱۰

فکاهی تکراری

ارگان امینی جیها در مقاله ماره ۱۵ مرداد خود می‌نویسد: "این از مساله جدی بود." شاید این فاله‌های سلطنت طلب از این نظر عوت رضاهلوی و شورای مشروطیت ربار-امینی به تفرج خیابانی در روز معه ۱۱ مرداد را "جدی" توصیف رده‌اند که یک فکاهی آبکی تکراری زش خندیدن راهم ندارد. تفرج خیابانی، ابتکار ختیارچی‌ماست. آنها در ۲۷ ددیبشت اسنال بک تفرج متمدانه" و "اتوموبیل سوارانه" یلی "شجاعانه" در تهران به راه داختند. بقیه در صفحه ۲

"پاسخ" سفیر جمهوری اسلامی به اعتراض

دیپکرل اتحادیه ضد فاشیستهای آلمان فدرال در مورد قتل رفیق مؤذنی پور

در سالهای اخیر معمول‌ترین و رایج‌ترین شیوه برخورد نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور به اعتراضات فزاینده احزاب، سازمانها و شخصیت‌های بشر دوست و ترقیخواه علیه شکنجه و کشتار بهترین فرزندان مردم ایران، سکوت و یا حتی گستاخی و توهین بوده است. اما مواردی نیز وجود دارد که نظر به اعتبار و وزن شخصیت یا سازمان معترض، نماینده جمهوری اسلامی خود را ناکزیر به پاسخی می‌بیند. اخیراً سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال (مزدوری بنام سالاری)، برای شخصیت‌های مهمی که به جنایات رژیم ضد بشری خمینی اعتراض کرده و مراتب را کتبا به سفارت اطلاع می‌دهند، متن چاپ شده‌ای را امضا کرده و می‌فرستد. یک نسخه از این متن را اخیراً کورت اربلایخ، دبیرکل "جمعیت تعقیب شدگان رژیم نازی - اتحادیه ضد فاشیستها" دریافت کرد. این متن "پاسخ" رژیم خمینی به نامه‌ای بود که کورت اربلایخ در اعتراض به قتل رفیق قربانعلی مؤذنی پور عضو مشاور کمیته بقیه در صفحه ۲

صابر

شاعری از قفقاز در انقلاب مشروطیت

انقلاب مشروطیت در ماه مرداد ۷۹ ساله شد. به همین مناسبت ما در شماره ۶۸ این نشریه نقش زنان را در این انقلاب مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره به زندگی مبارزاتی شاعری نظری می‌افکنیم که نقش برجسته‌ای در گسترش امواج انقلاب مشروطیت ایفا کرد. اومیرزاعلی اکبر طاهرزاده صابر است که در نه خرداد ۱۲۴۱ شمسی در "شماخی" شیروان در جنوبی‌ترین نقطه قفقاز و نزدیک مرز ایران، دیده به جهان گشود. "صابر" در ۱۲ سالگی به مدرسه‌ای که توسط انجمن ایالتی باکو، تاسیس شده بود، بقیه در صفحه ۸

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

پایان نمایش انتخاباتی، آغاز درگیری های تازه

بقیه از صفحه اول

بگذارد. حتی روند معکوسی طی می شود. هنگام با روند بوروکراتیزاسیون، زیاده خواهان و غیر خودیها طرد می شوند و "الیت" (جمع نخبگان حاکم) جمع و جورتر می شود. عناصر این "الیت" نیز همگام با این روند رده بندی می شوند و هرکس در مدار معینی قرار می گیرد. تنها درجات معینی از تکانه های اجتماعی باز تولید شده در کل محیط قدرت می تواند این عناصر را جابجا کند و آنها را از یک مدار به مدار دیگر بفرستد. طبیعتاً این رده بندی به تدریج آنچنان استحکامی می یابد که قربانی شدن مهره های مدارهای بالاتر به سختی میسر می گردد و درگیریها در عرصه قدرت عمدتاً بر روی جابجایی مهره ها در رده های دوم و سوم و پائین تر نمود می یابد. بالا نظاراً یکپارچه است و پائین دستخوش تفرقه و تضاد. بالایی ها با "نژاکت" و سر پوشیده از اختلاف فیهایشان سخن می گویند ولی پائینی ها یکدیگر را می درند و می بلعند. ظاهر اما در اینجا با دو پدیده متضاد روبرو هستیم. اما باید توجه داشت که این هر دو پدیده از یک ماهیت نشأت گرفته اند. بالایی ها تا جایی که میسر باشد از پائین یکدیگر را می زنند. اما در بالا ناچارند یکدیگر را تحمل کنند و صرفاً تا حد معینی به عریان شدن تضادها میدان دهند. عریان شدن بیشتر تضادها در بالا می تواند موجودیت نظام را به خطر اندازد. در نمونه جمهوری اسلامی وجود فاکتور نیرومندی به اسم خمینی در مرکز قدرت و این که به موضوع درکانون قدرت بودن او به عنوان پدیده ای مقدر برخورد می شود، در جلوگیری از عریان شدن تضادها در مدار اول تاثیر تعیین کننده دارد. از اینروست که در رژیم خمینی نمی بایست انتظار داشت که بدون تکان های شدیدی اجتماعی - در وضعیت فعلی - حول مسائلی همچون انتخابات ریاست جمهوری اختلافات کاملاً عریان شده و احیاناً به جابجایی مهره های اصلی بیانجامد. جامه ریاست جمهوری اسلامی تنها "براندازه" افراد معدود معینی است. مسلماً این موضوع را مثلاً آقای

عسکراولادی مسلمان می دانسته و هیچ خیال خامی را برای کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری در سر نیوروانده است.

اما اختلافاتی که در هفته های اخیر بر سر انتخابات ریاست جمهوری نمودهای برجسته ای نیافته اند، بر سر جای خود هستند و قریباً بر سر انتصاب نخست وزیر آینده اثر خود را نمایان خواهند ساخت. این یک مدار، پائین تر است و به دلیل دورتر بودن از جاذبه مرکز و حساسیت موضوع، باید انتظار یک انقلاب شدید حول آن را داشت. بنابراین پایان نمایش انتخابات ریاست جمهوری، آغاز دور تازه ای از درگیریهای پیشین است تا کنون اختلافات بر سر بسیاری از مسائل بصورت موقت سکوت گذاشته شده بودند. از یک سال پیش پر شدن جاهای خالی در کابینه محول به حل اختلافات در حول پست نخست وزیری گشته است. در این عرصه، بازار و قشری ترین و راست ترین سرکردگان مرتجع حوزه علمیه خواهان نقش مستقیم و بازم نیرومندتری هستند. شورای نگهبان بیهوده حکم نداد که رئیس جمهور جدید از نو باید نخست وزیر و کابینه را به مجلس معرفی کند، عسکراولادی بیهوده خود را مطرح ساخت و آیت الله کلپایگانی در هنگام دادن رای در روز جمعه بیهوده این سخنان را ایراد نکرد که "امیدوارم رئیس جمهوری که انتخاب می شود، دولتی را بر سر کار بیاورد که آن دولت، اسلامیت این جمهوری را بر ندارد."

از سوی دیگر نباید از یاد برد که در همین ماه گذشته بود که حسین موسوی بر حمایت مکرر خمینی از کابینه اش تاکید کرد. او با این اظهارات به مخالفین یاد آوری کرد باندی که او به آن وابسته است قصد ندارد این مواضع را تسلیم نماید.

بدین ترتیب حتی پیش از آنکه رسماً نتیجه از پیش معلوم انتخابات ریاست جمهوری اعلام شود، باندهای درونی میات حاکم رژیم جمهوری اسلامی همه امکانات را برای دنبال کردن مخاصمه در مدار پائین تر به کار گرفته اند.

فکاهی تکراری

بقیه از صفحه اول

در آن هنگام امینوسی چی ها به بختیار حمله کردند که "تکروی" می کند و دست به اقدامات "خطرناک" می زند.

بالاخره چون حسادت و رقابت در بلاهت، امینی چی ها را هم وادار به دست زدن به اقدامات خطرناک کرد. ایام اینها نگرفت. زیرا رسانه های امپریالیستی لطفی را که در ماه اردیبهشت نسبت به شاپورخان بختیار، آخرین نخست وزیر شاه نشان داده بودند، این بار از علی امینی، نخست وزیر سابق شاه دریغ کردند. در مورد ترافیک تکروانه مرغک توفان" خبرگزاریهای امپریالیستی و رادیوهای لندن و آمریکا و اسرائیل، سر و صدای زیادی راه انداخته بودند. اما برای تفریح خیابانی اخیر سنگ تمام نگذاشتند. علت چیزی جز ملال آور بودن این فکاهی تکراری نبود. رسانه های خبری امپریالیستی بر خلاف ورق پاره های شاهپرستان به تجربه پی برده اند که برخی دروغها را باید مرتب تکرار کرد و برخی را مثلاً سالی یک بار، بیشتر از این نتیجه عکس می دهد. همین مصلحت اندیشی تبلیغاتی، امینی چی ها را دچار بدشانسی کرده و کشفشان ساخت.

ارگان امینی چی ها که به زور کلمات خواسته است این فکاهی تکراری ضد انقلاب خارج کشور را "مهم" و "جدی" جا بزنند، در مورد آرام و مسالمت آمیز بودن این تفریح کلی داد سخن داده است. آیا بکارگیری این روشهای مسالمت جوینانه و شیوه بی خطر و تفریحی ترافیک و تفریح خیابانی که جای دروغ

پراکنی از ۵۰۰ هزار تا چند میلیون نفر را باز می کند، دلالت بر این دارد که برآستی ضد انقلاب شاهپرست بی خطر شده است و جدی نیست و آو تنها به همین حرکات و دعاوی مضحک تکراری بسنده کرده است؟ مسلمانان البته این واقعیتی است که آن طبقه که شاهپرستان آن را نمایندگی می کنند، طبقه ای است بغایت جبون فاسد، نوکرسفت و کوتاه بین. اما در جا که توانسته اند (و در کشور چندین بار) نشان داده اند که به همان اندازه نیز وحشی، سفاک و قاطع هستند. همین رضا نیم پهلوی ها بختیارها و امینی ها ای که اکنون ا قبل خیانتها و جنایتها و آزاده کشی های رژیم خمینی "آزادخواه شده اند و نیز آن اتومبیل سوارهای "متمدن" و لبخند بر لبی که به دعوت آنها (و احیاناً با ترس و لرز) ت میدان ونک تهران پائین می آیند دوباره به زعفرانیه و نیوران باز می گردند، فقط مترصد آن هستند که فرصتی برسد تا چنان حمام خونی به راه اندازند که آن سرش ناپید باشد برای آنها در رژیم جمهوری اسلامی امیدواریهای بسیاری هست اما در یک حاکمیت مردمی همه امیدهایشان بر باد می رود. از این رو به آب و آتش و ب سیم آخر خواهند زد. به این خاطر است که به رغم این حرکات مسخره در ماندگی و پوسیدگی ضد انقلاب مغلوب، نباید خطر آنان را از یاد برد. گسترش جنبش خلق بی طاقتشار کرده است.

نباید از یاد برد که همین طبقه جبون و انگل کوتاه بین در عوامفریبی بسیار زیرک و هشیار است اگر فرصت بیاید در کشتار نیز بسیار "شجاع" و بی محابا خواهد بود.

"این خارجی ها باید بروند نه ما!"



ایران حضور فعالی داشتند. عکس فوق گوشه ای از مراسم مزبور را نشان می دهد. در پلاکارد بالا در پاسخ به شعار فاشیستها که شعار اخراج خارجیان را می دهند با اشاره به موشکهای آمریکایی نوشته شده است: این خارجی ها باید بیرون بروند نه ما!

مراسم یاد بود چهلمین سالگرد بمباران هیروشیما در کشورهای و شهرهای مختلف برگزار گردید. در شهر برمن آلمان فدرال نیز مراسم یادبود قربانیان این جنایت امپریالیسم آمریکا بر پا شد. در این مراسم نیروهای خارجی منجمه فدائیان خلق

مرگ شیمیایی، ارمغان انحصارات غرب برای ایران و عراق

موضوع منبع و نابودی سلاحهای شیمیایی، جز "لایتنک بحثها و فعالیتهای مربوط به خلیج سلاح در عرصه بین المللی است. در این زمینه نیز، بی دهها سال دو خط مشی در جهان قابل مشاهده بوده است: در یک سو خط مشی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که پیشنهادهای مکرری برای توافق های دو جانبه و چند جانبه بمنظور نابودی این سلاحهای ضد بشری ارائه کرده اند، و در سوی دیگر شی آمریکا و متحدان ناتوی اش که نه تنها این پیشنهاد را داثا رد کرده اند، بلکه پیوسته تولید و استقرار سلاحهای شیمیایی و فروش آن به کشورهای دیگر را افزایش داده اند.

خمینی هم رسا اعلام داشته اند که از این سلاح ضد بشری استفاده خواهند کرد. کمونیست ها و سایر نیروهای مترقی کشورهای سرمایه داری که همواره علیه سلاحهای شیمیایی مبارزه کرده اند، درباره شرکت کشورهای امپریالیستی در تامین سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق دست به افشاگریهایی زده اند که مقاله زیر از "نورشن فلانمان" ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد از آن جمله است.

خطر جنگ شیمیایی در خاورمیانه

شرکتهای اروپائی سرگرم احداث کارخانجات گازهای سمی در عراق و ایران هستند. بدلیل عدم موفقیت کشورهای دیگر در جلوگیری از گازهای سمی توسط عراق و استفاده از آن در جنگ با ایران، خطر توسل به سلاح های شیمیائی در مناقشات آینده در خاورمیانه افزایش یافته است.

گام بعدی در اشاعه استفاده هر چه بیشتر از سلاح های شیمیایی، هم اکنون از طرف ایران برداشته شده است. ایران در کارخانه کود شیمیایی مرودشت - واقع در جاده تخت جشید - شیراز - در حال تولید گاز سمی خردل می باشد. بنابه اظهار یک منبع بسیار مطلع ایرانی، این کشور هم اکنون مقادیر متنابهی از این گاز را تولید و آزمایش نموده و آماده استفاده از آن بر علیه عراق است. دفع این خطر جدی

در صورت روی آور شدن طرفین به جنگ شیمیایی و انبار کردن حجم بزرگی از این نوع سلاح ها، دشوارتر خواهد گردید. بیش از یکسال قبل، عراق استفاده از سلاح های شیمیایی در جبهه ها را آغاز نمود. در ماه مارس اسامل منطقه باتلاقی شمال بصره با موشک و خمپاره و بمب های حامل گازهای سمی مورد حمله این کشور قرار گرفت. بر مبنای گزارشهایی که هنوز تأیید نگردیده اند، مواضع ایران هم چنین در ماه آوریل نیز مورد حمله شیمیایی قرار گرفت. تعدادی ایرانی بمنظور معالجه جراحات ناشی از سلاح های شیمیایی در بیمارستانهای کشورهای اروپائی بستری هستند. بخشی از این سلاح های شیمیایی طبق قرارداد های بین المللی ممنوع است. یک هواپیمایی اف - ۴ ایرانی در اواخر ماه مارس سال جاری موفق گردید به حریم فضائی عراق نفوذ

نموده و تاسیسات یک مجتمع را مورد هجوم قرار دهد. در این تاسیسات که بمنظور تولید مواد سمی دفع آفات ایجاد گردیده است، در حال حاضر مواد شیمیائی جنگی تولید می شود. اما بمب های این هواپیما در محوطه باز اطراف کارخانه افتاد و خساراتی به بار نیاورد. عراقی ها سخنی از این حمله ناموفق ایران بمیان نیاورده اند و در باره آن سکوت اختیار کرده اند. شرکتهای انگلیسی و آلمانی این تاسیسات را در اواسط دهه هفتاد برای تولید سموم دفع آفات کشاورزی بنا کردند. اما برای عراقی ها دشوار

نبوده است که با کمک متخصصین آلمان غربی، از مواد اولیه سموم دفع آفات، برای تولید گاز خردل و نیز گازهای سمی اعصاب موسوم به "تائون" و "سارین" استفاده نمایند.

تاسیسات مزربور بنام "اس-اس-ا-ب" بساحت قریب ده کیلومتر مربع در جنوب جاده بغداد - سامره و در نزدیکی کانالی که رودخانه عرفه را به دریایچه تارتار متصل می کند، واقع شده است. تشکیلات، تجهیزات و مواد اولیه آنرا دو شرکت آلمانی تامین کرده اند. ساختمانهای آنرا شرکت هربرگر بنا نموده است که هنوز هم در حال ساختن ساختمانهای جدید جنبی می باشد. تهیه تجهیزات و مواد شیمیایی اولیه توسط شرکت کارل کولب و شرکتهای تابعه آن انجام می گیرد. مواد اولیه این کارخانجات از نقاط مختلف اروپا، عمدتا از آلمان غربی، وارد می شود. یک شرکت هلندی بنام کاب-ب-اس واقع در ترنویتسن نیز اخیرا به این جمع پیوسته است و ماشین آلات و مواد اولیه را تامین می کند. بخشی از سلاح هایی که برای پختن این گازها مورد استفاده قرار می گیرد مانند موشک و خمپاره - از شرکت ایتالیایی کاب-ب-د کولی فرو خریداری می شود. شرکت اکیسبال در اسپانیا نیز بمب های مخصوص این مواد را سیرای بسیاریان شیمیایی با هواپیما - به عراق وارد می کند. یک کمیسیون که از سوی سازمان ملل متحد و در پی شکایت ایران مبنی بر استفاده عراق از این نوع سلاح ها به ایران فرستاده شد، بمب های منفجر شده ای از نوع اسپانیائی فوق الذکر که با گاز خردل بقیه در صفحه ۱۰

در جنگ ایران و عراق تاکنون چند بار از سلاحهای شیمیایی استفاده نده است. علیرغم تشیقات ردیبلانه و تجاعی ترین محافل غرب و سران جمهوری اسلامی برای براه انداختن تبلیغات ضد شوروی در این رابطه، هر بار دلایل انکارناپذیری حاکی از تعویل سلاحهای شیمیایی توسط کشورهای غربی به طرفین جنگ ارائه گردیده است. بعنوان نمونه، باید زاین واقعیت نام برد که کارخانه تولید کننده سلاحهای شیمیایی در ژدیکی بغداد، با کمک شرکتهای آلمان فدرال ساخته شده است. آمریکا، انگلستان و سایر کشورهای ناتویی نیز به نوبه خود در ارائه ارمغان "ی بنام مرگ شیمیایی به مردم ایران و عراق سهم بوده اند. عراق تاکنون چند بار از این سلاحها استفاده کرده و سران رژیم

فدائیان اسیر، در خطر اعدام

نشریه "لندا و فالک" ارگان حزب کمونیست دانمارک در شماره ۶ ثوست خود خطر اعدام چهار تن از ضمای رهبری سازمان فدائیان خلق را زتاب داده است. نشریه مزربور با بدارد مورد این خطر می نویسد:

"چهار عضو رهبری فدائیان لبق... به اعدام محکوم شده اند. کم اعدام این چهار نفر، به همراه کم محکومیت تعدادی از اعضای مهربی حزب توده ایران، برای تأیید شورای عالی قضایی ارسال شده است.

این چهار نفر در زمان حمله رژیم به فدائیان و توده ایها، سه سال لشته دستگیر و زندانی شده بودند"

"باسخ" سفیر جمهوری اسلامی

مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ارسال داشته بود. کورت ارلباخ در این نامه خطاب به سفیر جمهوری اسلامی نوشته بود: "این امر ما را تکان می دهد که به نظام شکنجه و کشتار در کشور شما هنوز پایان داده شده و به ویژه آندسته از فرزندان مردم هدف آندند که میهن پرستی خود را در بیکار علیه رژیم محمدرضا شاه به اثبات رسانده اند. ما به شدیدترین وجه نسبت به ادامه نقض حقوق بشر در ایران اعتراض نموده و از شما می خواهیم این اعتراض را به اطلاع دولت متبوع خود برسانید. شکنجه و اعدام وحشیانه میهن پرستان ایران

باید پایان یابد." نامه سفیر خمینی در نوع خود جالب است. از آن حیث جالب است که نماینده فرومایه یک حکومت قرون وسطایی، ژست "دفاع از قانون" به خود میکیرد! "جوابیه" جناب سفیر هیچ ربطی به نامه اتحادیه ضد فاشیستی و مشروع اصلی آن یعنی شهادت رفیق موذنی پور ندارد. بخش اعظم متن سفارت، گویی نه درباره ایران امروز، که درباره کتوری است که حاکمیت قانون در آن جاری است و مسئولین دولتی آن برگزیده مردمند!

اما صرفنظر از مهمل بافی های سفیر بیمایه جمهوری اسلامی، واکنش او نسبت به نامه اعتراضی اتحادیه ضد

فاشیستها نشان می دهد که حکام جمهوری اسلامی نمی توانند برای همیشه در برابر اعتراضات گسترده محافل ترقیخواه نسبت به جنایات این رژیم سکوت اختیار کنند. آنها سعی مذبوجانه ای برای توجیه اعمال ننگین خود به عمل می آورند. اما تلاش این مزدوران به همان اندازه که مضحک است، افشاگر نیز هست. مثلا سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال، با سکوت در رابطه با مضمون اصلی اعتراضنامه اتحادیه ضد فاشیست های آلمان فدرال، یعنی شهادت رفیق موذنی پور عملا به قتل این رفیق توسط حکومت اوین، اعتراف کرده است. در حالیکه ارگانهای سرکوب در کشور هنوز از اعلام شهادت وی خودداری کرده اند

عملیات عاشور و حمله عراق به جزیره خارک

در آستانه برگزاری نمایش انتخابات رئیس جمهوری، رژیم تبلیغات زیادی حول دو شبیخون به داخل خاک عراق، راه انداخت. در شبیخون اول که "عاشورای ۲" نام داشت، جمهوری اسلامی ادعا کرد در شب ۵ شنبه ۲۴ مرداد چند ارتفاع مهم در منطقه چنگوله واقع در جنوب مهران را تصرف کرده و ۵۰۰ سرباز عراقی را کشته و زخمی ساخته است. شبیخون "عاشورای ۳" بنا بر اطلاعیه جمهوری اسلامی در شمال فکه و در ساعت ۲ بعد از نیمه شب روز جمعه ۲۵ مرداد به اجرا درآمد. رژیم تعداد زخمی و کشته شده های عراق را ۶۵۰ نفر ذکر کرد. عراق نیز به نوبه خود این عملیات را دفع شده اعلام نمود و از جمله اعلام کرد که در روز ۵ شنبه ۲۰ نفر و در روز جمعه ۸۰ نفر را کشته و زخمی ساخته است.

در روز ۵ شنبه هفته گذشته عراق حمله هوایی مهمی را به جزیره نفتی خارک صورت داد. رژیم عراق مدعی شده است در جریان این حمله تمام جزیره را به آتش کشیده است. جمهوری اسلامی در این مورد هیچ خبری را ذکر نکرد. برخی خبرگزاریها ادعاهای عراق

نمایش انتخابات رئیس جمهوری پایان یافت

روز جمعه ۲۵ مرداد، نمایش انتخابات رئیس جمهوری پایان یافت. مطابق با ارقام اعلام شده تا عصر روز یکشنبه ۲۷ مرداد از مجموع ۱۴۲۰۰۲۹۷ رأی خوانده شده خامنه ای ۱۲۱۶۴۲۶۶ (محمودی کاشانی ۱۲۹۸۸۴۵ و عسگر اولادی ۸۲۶۶۲)، رأی آورده است. میزان آرای باطله در میان این تعداد رأی خوانده شده ۲۵۴۴۵۶ اعلام شده است.

بنا بر این همانگونه که از پیش مشخص بود، خامنه ای مجدداً بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد. طبق معمول با نزدیکتر شدن روز انتخابات، های و هو تبلیغات رژیم حول این مساله بالا گرفت. همه مقامات درجه اول رژیم در این مورد بیانییه و فتوا صادر کردند. از جمله منتظری در این مورد گفت: "اگر کسی اشکالی یا اعتراضی داشته باشد، این مساله واضحی است و مساله اصل نظام چیز دیگری است. اگر کسی ناراضی هم باشد، شرکت کند." این نحوه تبلیغ بر روی انتخابات در پیام موسوی اردبیلی نیز تکرار شد. وی نیز از "ناراضی" ها خواست که در انتخابات شرکت داشته باشند. این نخستین باری بود که مسئولین رژیم با این لحن مردم را به پای صندوقهای رأی سازی فرامی خواندند.

امامی کاشانی عضو شورای نگهبان و دبیر هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در مصاحبه روز سه شنبه ۲۲ مرداد خود در مقابل این سؤال که آیا "دادن رأی سفید از نظر شرعی کافی است" فتوا داد: "رأی سفید مغایر با انتخاب است. این نظر امام نیست. امام به یک شخص رأی می دهد، شما هم باید به یک شخص رأی بدهید. این توطئه دشمنان اسلام است. البته آزاد است. اجبار نیست که شرکت کنید. اما نظر شریف امام را اگر کسی بخواهد تامین کند با رأی سفید نمی شود." گنجاندن این سؤال در مصاحبه امامی کاشانی مسلماً امری اتفاقی نبوده است. در همین مصاحبه امامی کاشانی در پاسخ به این سؤال که آیا انتخاب ۲ نفر از میان ۵۰ نفر کاندیدا از سوی شورای

را به شکل تعدیل شده، تایید کرده و از جمله به نقل از سرنشینان کشتی هایی که در هنگام حمله محل حضور داشته اند، گفته اند یکی از سه اسکله ترمینال نفتی خارک به کلی منهدم شده و خسارات بسیار سنگینی به تاسیسات این جزیره که مهمترین ترمینال نفتی ایران است، وارد شده است.

در یک قلم ۲ تن ماری جوانا!

قاچاق مواد مخدر و گسترش اعتیاد به شکلی افسار گسیخته، جامعه را با یک فاجعه هولناک مواجه ساخته است. حتی از طریق آمارهای دولتی که گوشه کوچکی از این فاجعه را بر ملا می سازند، می توان به ابعاد این مساله مهم پی برد. مساله ای که نتایج اجتماعی، اقتصادی و روانی حاکمیت جمهوری اسلامی، ارکانهای انتظامی رژیم و ضد انقلابیون افغانی نقش اصلی را در دامن زدن بر آن به عهده دارند.

دیگر کار به جایی رسیده است که در صفحه حوادث روزنامه ها عمدتاً با واحد تن، مقدار مواد مخدر مکشوفه بیان می شود. به عنوان نمونه کیهان ۵ شنبه ۱۷ مرداد خبر از کشف ۲ تن ماری جوانا از ۵

تنهیان مغایر آزادی است" گفت: "در همه جای دنیا این طور است. در اینجا یک فیلتر اسلامی عمل می کند. شورای نگهبان، معیارهای اسلامی مورد قبول مردم را اعمال می کند."

خامنه ای در سخنرانی های تبلیغاتی خود در روزهای منتهی به انتخابات بر روی باصطلاح پیشرفت هایی که در دوران چهار سال ریاست جمهوری وی نصیب رژیم شده است تکیه داشت. او در این سخنرانی ها مدعی اتفاق نظر در میان مسئولین رژیم بود و از برخورد مشخص با مسائل مهم گریزانگیر رژیم خودداری ورزید. عسگر اولادی در تبلیغات خود اختلافاتش را با موسوی نخست وزیر عیان ساخت و تلویحاً گفت اگر رئیس جمهور شود دولت دیگری بر سر کار خواهد آورد. این موضوعی بود که خامنه ای در تبلیغات خود اصلاً به آن نپرداخت. تاکید کاشانی در سخنرانی های تبلیغاتی بر روی "تخصص" هایش بود و این موضوع را به رخ می کشید که علاوه بر این که پسر آیت الله کاشانی مشهور است، تحصیلات عالی به دارد و سه زبان می داند. در پوسته های تبلیغاتی او بر روی "حاکمیت قانون"، "ثبات و امنیت قضایی"، "ایجاد تحول در وضعیت اقتصادی" و "انتخاب یک نخست وزیر شایسته" تکیه شده بود.

اکثر نهادهای رژیم و نیز انجمن های اسلامی از جمله انجمن اسلامی بازار و انجمن های اسلامی دانشجویان مسلمان در انتخابات رسماً جانب خامنه ای را گرفته بودند.

در روز انتخابات، کنترل امنیتی شدیدی بویژه در تهران برقرار شد. رفت و آمد موتورسیکلتها و پارک کردن اتوموبیل در اطراف حوزه های رأی گیری ممنوع اعلام شد. مطابق معمول در روز انتخابات رژیم به حیللهایی همچون افزودن بر ساعات رأی گیری متوسل گردید. رادیو و تلویزیون نیز تبلیغات شدیدی به راه انداخته بودند تا موضوع را "جدي" جلوه دهند.

قاچاقچی افغانی و ایرانی در فیروز آباد فار، می دهد. این گونه خبرها آنقدر در روزنامه ها، رژو بیش یا افتاده، بی اهمیت و تخراری هستند که کیهان تنها چهار جمله را به ذکر آن اختصاص داده است.

تخلیه مدارس، همچنان ادامه دارد

برای مدارس استیجاری، بی دربی حکم تخلیه صادر می شود و مالکان آنها حتی بدون اعلام قبلی به مدارس هجوم می آورند و میز و نیمکت ها و اسباب اثاثه و پرونده های موجود در آنها را به میان خیابا می ریزند.

آخرین نمونه تخلیه مدارس استیجاری، تخلیه دو مدرسه در خیابانهای زنجان و بهبودی تهران است. با تخلیه این ۲ مدرسه جمعا ۱۲۰۰ دانش آموز آواره و سرگردان شده اند.

کیهان ۱۷ مرداد از قول مدیر یکی از این مدارس، مدرسه شهید فهمیده که در هنگام تخلیه مدرسه حضور داشته است می نویسد در این مدرسه بیش از ۷۰۰ دانش آموز دختر در دو نوبت صبح و عصر در سال گذشته، مشغول تحصیل بودند و امسال نیز طبق روال سالهای گذشته در روزهای تعیین شده ثبت نام به عمل می آمد و افزایش بیشتری نسبت به سال گذشته نیز داشته است. به ما قبلاً در مورد حکم تخلیه این مدرسه اطلاع داده نشده بود. در حال حاضر همانطور که مشاهده می شود کلیه مدارک، پرونده ها و اثاثیه خارج از مدرسه تخلیه شده و نمی دانیم چه کار بایا بکنیم.

مدرسه در جبهه!

در کنار خبرهای متعدد در مورد تخلیه مدارس استیجاری و مشکلات عدیده ای همچون کمبود کتاب، معلم و فضای آموزشی، این خبر نیز در جراید جمهوری اسلامی جلب توجه می کند که "مشکلات آموزشی در جبهه ها بر طرف شد."

کیهان ۲۰ مرداد با تیتیر درستی از قول مسئول بسیج سپاه پاسداران اعلام می کند در سال آینده در جبهه های جنگ مجتمع های آموزشی تشکیل خواهد گردید. رحمانی مسئول بسیج در مصاحبه ای که برای اعلام این خبر تشکیل داده است تعداد دانش آموزانی را که به جبهه ها گسیل داده شده اند، ۱۲ هزار نفر ذکر می کند و می گوید در سال جاری تعدادی معلم نیز به جبهه ها فرستاده خواهند شد تا برای آنها مدرسه دایر کنند.

لایحه بودجه ارزی سال ۶۴

کمبود ارز رژیم را با مشکلاتی جدی مواجه ساخته است. دولت برای برنامه ریزی بر روی ارزی که صرفاً از فروش نفت حاصل می شود، لایحه ای تهیه کرده بود که اخیراً به تصویب مجلس رسید. این لایحه را شورای نگهبان به دلیل اینکه سهم واردکننده های بخش خصوصی در آن دقیقاً تصریح نشده بود، دارای اشکال شرعی دانست و رد کرد.



از مبارزات دهقانان

روستای "نیم‌چاه" از توابع نکا* مازندران، حدود دو بیست و ده نفر جمعیت دارد. کشاورزان این روستا حدود هفتاد هکتار زمین مصادره‌ای دارند که بصورت شورایی کشت می‌شود.

قبل از انقلاب بیست هکتار از این زمین متعلق به یکی از بزرگترین سرمایه‌داران نکا* و ساری بنام حاجی ابراهیم عرب بود که نمایندگی اتومبیل‌مردار کمباین را در انحصار خود داشت. چهار هکتار از بیست هکتار مذکور، باغ مرکبات است، که درآمد سالانه آن بین کشاورزان به نسبت سهمی که دارند تقسیم می‌شود.

در سال ۶۲، حاجی عرب با در دست داشتن حکمی از طرف مقتدایی، برای پس گرفتن زمین‌های مصادره شده اقدام نموده و زارعین را به طور جمعی به دادگاه احضار کرد، که با مقاومت جدی آنها مواجه گردید و نتوانست کاری از پیش ببرد. او مجدداً در سال جاری، پس از دریافت حکم تازه‌ای از جانب صانعی (دادستان وقت) به منظور غصب دوباره همان زمین، کشاورزان را تحت فشار قرار داد. مقامات قضائی منطقه با استناد به حکم صانعی به تهدید کشاورزان پرداخته و آنان را به دادگاه احضار کردند. اما کشاورزان بهیچ وجه تسلیم تهدیدات نشده و برحق خود تاکید ورزیدند.

درگیری اهالی عسگر آباد با اعمال رژیم

"عسگر آباد" یکی از توابع تیرون و کرون می‌باشد که در چهل کیلومتری نجف آباد واقع است. اخیراً اعمال رژیم در تلاش بودند تا آبی را که متعلق به اهالی عسگر آباد بود به نجف آباد منتقل کنند، که با مقاومت شدید مردم روستا مواجه شدند. درگیری بین اهالی عسگر آباد و عوامل مسلح تا چند روز با شدت تمام ادامه یافت. در اثر سبعیت ارگانهای سرکوب رژیم عده‌ای کشته شدند. در جریان این درگیری، حدود ۴۰ نفر از روستائیان بازداشت گردیدند. مردم آبادی که با سرکوب تکمیل گسیخته‌ای مواجه شده بودند شبانه به کوه زدند. ادامه درگیری و خشونت عمال رژیم، باعث مقاومت بیشتر اهالی می‌گردد، تا اینکه مردم دست به تظاهرات زده و در این تظاهرات علیه خمینی و برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی، شعار می‌دهند. پس از تظاهرات، به مدت سه هفته، روستای عسگر آباد بوسیله نیروهای سرکوب رژیم محاصره شده و عملاً در آن ناحیه حکومت نظامی برقرار گردید.

درگیری اهالی محله

دستگردخیار اصفهان با پاسداران

در اواخر خردادماه، در محله دستگردخیار اصفهان بین مردم و پاسداران و ژاندارمها، بر سر

کارکنان سازمان تامین اجتماعی تهران مسکن می‌خواهند!

کارکنان سازمان تامین اجتماعی تهران، خواستار رسیدگی به وضع مسکن خود شده و درخواست کرده‌اند که هرچه زودتر جهت احداث مسکن، به تعاونی آنان، زمین داده شود. در این رابطه طوماری تهیه کرده‌اند و همچنین اطلاعیه‌ای صادر کرده‌اند که چنانچه به درخواست آنان جواب مثبت داده نشود، دست به تحصن خواهند زد. این اطلاعیه در اغلب شعبات سازمان تامین اجتماعی پخش شده است.

جنون مردم آزاری

آزار، تحقیر، فحاشی و ضرب و جرح مردم، حقیقتی است که در کشورمان همه روزه می‌توان شاهد آن بود. اخیراً اینگونه موارد در شهر اصفهان افزایش چشمگیر یافته است. برای مثال در تاریخ ۱۷ مرداد در خیابان هزار جریب اصفهان، روبروی دانشگاه، یک ماشین پیکان استیشن که حامل چهار فرد مسلح حزب الهی بود، یک ماشین رنو را که یک زن و شوهر در آن نشسته بودند، متوقف کرده و بدون کمترین پرسی مرد را زیر ضرب مشت و لگد گرفتند. این عمل وحشیانه به بهانه مبارزه با منکرات صورت گرفت. مهاجمین به اعتراض رهگذران که در محل گرد آمده بودند وقعی ننهادند و این زن و شوهر را پس از مضروب ساختن به کمیته بردند. اینگونه اقدامات بر نفرت مردم اصفهان از رژیم افزوده است.

کنترل کوهنوردان

مامورین ساواک خمینی نیز مانند سلف خود ساواک شاه حساسیت ویژه‌ای نسبت به ورزش کوهنوردی دارند. بدین منظور مسیرهای پر رفت و آمد کوه‌ها بطور مستمر مورد کنترل قرار می‌گیرد این کنترل‌ها که به شیوه‌های گوناگون و گاه با دوربین‌های قوی و از دور انجام می‌یابد هم برای یافتن فعالین سیاسی و هم برای جلوگیری از شعارنویسی در مسیرهای پر رفت و آمد کوهستانی صورت می‌پذیرد. در تهران، اخیراً کنترل را به اتوبوسهای مسیر تجریش-درکه نیز گسترش داده‌اند و مواردی از دستگیری جوانان در این اتوبوسها دیده شده است. این اقدامات معمولاً روزهای جمعه که معمولاً مردم زیادی برای کوهنوردی می‌روند صورت می‌پذیرد.

آغوش مردم مامن انقلابیون

در خیابان بهار شیراز تهران، یکی از کشت‌های رنگ‌وارنگ رژیم، سه دختر را مورد تفتیش قرار می‌دهد و به واری کیف آنها می‌پردازد موتورسواری که ناظر بر جریان و شاهد تگرانی دخترها بوده است به سرعت آمده و کیف دخترها را می‌برد. دخترها نیز از فرصت استفاده کرده و با کمک اهالی محل می‌گریزند. پاسداران، سربازهای چند ساختمان را گرفته و مورد تهدید و ارباب قرار می‌دهند که شما آنها را بنهان ساخته‌اید. اما توفیقی در یافتن دخترها نمی‌یابند.

برخی از خواستهای مردم درگیری رخ داد که منجر به زخمی شدن پنج نفر از اهالی و دستگیری بیش از سی نفر گردید. خواستهای مردم عبارت بود از اسفالت کردن خیابانها، مانع شدن از عبور و مرور ماشین‌های سنگین در محلات مسکونی و چند خواست دیگر. لازم به تذکر است که اهالی دستگردخیار از پرداخت پول برای احداث ساختمان مساجد خوداری کرده بودند. عوامل حکومتی تلاش می‌کردند تا با ایجاد نفاق و درگیری بین خود مردم، معترضین را مرعوب نمایند، و این خود هرچه بیشتر باعث افشا و از وای رژیم و حامیان آن گشت. مردم کماکان از خواستهای خود دفاع می‌کنند.

مردم از این باغ‌بری می‌رسد!

عزت‌الله خان بیات یکی از بزرگترین فئودال‌های اراک که سالهاست مقیم سوئیس می‌باشد، و در شماره‌های گذشته اکثریت خبر باز پس‌گیری بخشی از اموال و دارائی‌های او را درج کرده بودیم، اخیراً نیز در جهت پس گرفتن یک ویلای بزرگ و یک بیمارستان در "پنج‌علی" در نزدیکی اراک، دست به اقداماتی زده است.

بنیاد مستضعفان، غلام مستکبران

پس از دعوت عمومی از سرمایه‌داران و زمین‌داران برای پس گرفتن سرمایه‌ها و زمین‌هایشان، مدتی قبل بنیاد مستضعفان شهر رامسر از سادات تهرانی (صاحب کارخانه استارلایت - ساکا)، دعوت کرد که به شهر آمده و زمین و خانه‌اش را پس بگیرد. اموال این شخص پس از انقلاب مصادره شده بود و توسط این بنیاد سرپرستی می‌گردید. نامبرده که داری املاک و مستغلات زیادی است به بنیاد مستضعفان اطلاع داده که تنها در صورتی حاضر است خانه و زمین خود را پس گیرد که تمام وسائل خانه اعم از ظروف و فرشهای گرانبها و دیگر اموال خود را تا دینار آخر، یکجا، به او باز گردانند. بنیاد مستضعفان در اجرای خواستهای جناب سرمایه‌دار نهایت کوشش خود را بکار گرفته است.

تولیدات گمشده!

گفته می‌شود در کارخانه نوافرم حدود یک میلیون لامپ گم شده است. در برابر اعتراض شدید کارگران نسبت به این موضوع، مدیر جدید کارخانه اظهار می‌کند، که باید مراقب می‌بودید، حالا که رفته، باید برای بعد شما تجربه باشد!!

اعتصاب پرسنل بیمارستان بانک ملی

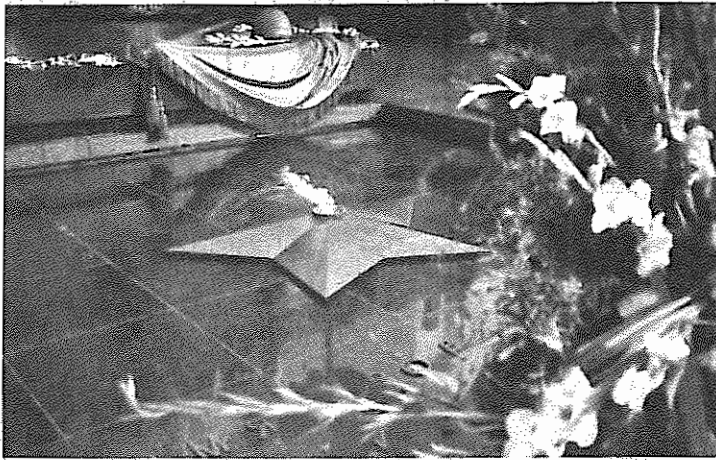
پرسنل بیمارستان بانک ملی، بعلت اینکه مسئولین قیمت غذا را افزایش داده بودند، دست از کار میکشند. مدیر بیمارستان برای تهدید اعتصابیون، عنوان می‌کند که کسانی در بین شما نفوذ کرده‌اند که قصد اختلال دارند. یکی از کارکنان در مقام اعتراض به این تهدیدات می‌گوید: من که پدر یک شهید هستم، پرشم اینست که چرا قیمت غذا را افزایش داده‌اند؟ مقاومت و ایستادگی اعتصاب‌کنندگان باعث پیروزی آنان گردید و مسئولین ناگزیر قیمت غذا را مجدداً کاهش دادند.

خاطره‌هایی جاودانه

بقیه از صفحه ۱۲

گرامیداشت رهبر کبیرشان از خود نشان می‌دهند، خضوعی که به سبب خلوص و پاکي اش فوراً به دیگران هم سرایت می‌کند، دیدارمان با لنین را بس گیرا کرده بود. صف مشتاقان این دیدار در طول همه ساعتی که بازدید از داخل بنای یادبود انجام می‌گیرد، آنچنان طولانی است که به هر کس، بیش از چند لحظه کوتاه نصیب نمی‌شود. در این چند لحظه کوتاه قلب انسان مالا مال از احساسات است. از کنار رهبر انقلاب اکتبر می‌گذریم که آرام خوابیده است. انگار خاطرش از میراث گرانبهایش آسایش کامل دارد. آرامش این خواب، در دلمان شور، حرکت و زندگی می‌آفریند.

اتفاقی نیست. حزب، دولت، سیستم آموزشی، رسانه‌های گروهی و همه سازمانهای اجتماعی ظرف ۷۰ سال گذشته پدر دوستی ملل را آنچنان پراکنده اند که در قلب تک تک مردم ریشه دوانده است. یکی دیگر از راهنمایان ما، بگونه‌ای که فراخور ویژگی‌های شخصی او بود، به زبان و با تعارفات معمول در محافل ورزش باستانی ایران سخن می‌گفت. هیچ یک از ابراز محبت مايش هم صرفاً تعارف نبود. دلیلش هم قطرات اشکی بود که روز آخر، هنگام خداحافظی بر گونه او جاری شد. دلیلش، صفا و صمیمیتی بود که در کارش، یعنی راهنمایی ما، در حدی بسیار فراتر از انجام وظیفه از خود نشان می‌داد.

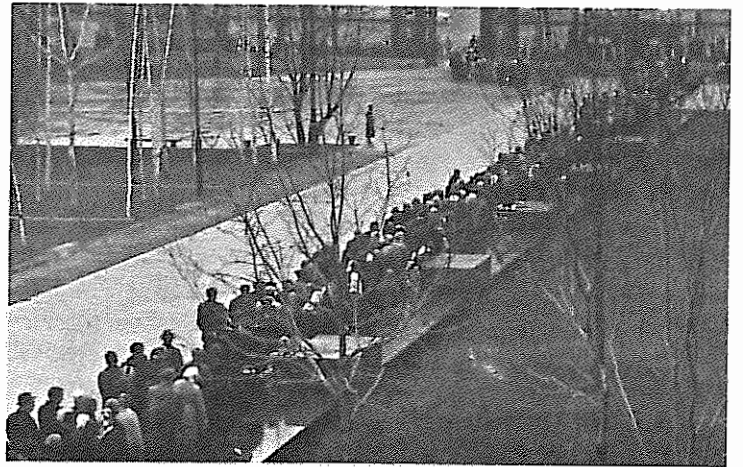


آرامگاه سرباز گمنام

چه فداکاریها و رنجهایی هستند، و باز به یادشان می‌آورد که با نبرد برای معر و نابودی ابدی جنگ، راه سرباز گمنام را ادامه باید داد.

سرباز گمنام در مسکو دیدیم، به کلی متفاوت بود. آرامگاه سرباز گمنام در آستانه یکی از مداخل ورودی میدان سرخ، پیش از آنکه محل ادای احترام هیات‌های رسمی و دولتی باشد، جایگاه مردم است. در مسکو رسم این است که هر زوج بلافاصله پس از مراسم عقد، به اینجا می‌آیند و گل می‌گذارند. این، یک سنت دست و پاگیر و به اصطلاح "مد روز" نیست. در اتحاد شوروی خانواده‌ای نیست که در میان ۲۰ میلیون قربانی که این کشور در جنگ دوم جهانی متحمل شد، پدر بزرگ، عمو، دایی و... نداشته باشد. ادای احترام زوجهای جوان به سرباز گمنام، از یک سویاد کردن از عزیزان دست رفته است و از سوی دیگر تجدید عهد با همه آنهایی که جان خود را دادند تا نسلهای آتی بتوانند در صلح و سعادت زندگی کنند، عشق بورزند و بیافرینند. مراسم ساده و بی‌تکلف گل گذاشتن روی قبر سرباز گمنام، به یاد همه می‌آورد که زندگی خود را مدیون

فستیوال، آنچنان انرژی و شوری دمیده بود که حرکت و فعالیت تک تک ما در آن چند روز فراموش نشدنی، با روزهای معمولی زندگی قابل قیاس نبود. اغلب ما برای آن که با تمام وجود از جشنواره بهره‌ور شویم، شبانه روزی چند ساعت کم می‌آوردند. برنامه‌های سیاسی شامل میتینگ‌ها، بحثها و کنفرانسها معمولاً صبح‌ها و بعد از ظهرها بود. شامها تا نیمه شب به برنامه‌های فرهنگی و هنری اختصاص داشت که هر نفر تنها می‌توانست قطره‌ای از آن دریا را ببیند. و شبها هم این خود جوانان بودند که خارج از چارچوب هر برنامه‌ریزی قبلی، خیابانها و میدانها را در اختیار می‌گرفتند. همه جا موسیقی، همه جا



صف طویل بازدیدکنندگان از مزار سرباز گمنام

از بنای یادبود لنین که بیرون آمدیم، از برابر ردیف کورهای کنار دیوار کرم‌لین گذشتیم. پای این دیوار چه بزرگانی غنوده‌اند! کالینین، استالین، کلارا تستکین، جان‌رید، سولفس، برژنف، آندروپف، چرننکو و... چه عظمتی! عصاره فضائل بشریت اینجاست. کارهایی به عظمت دورانهای تاریخی بانام اینها گره خورده است.

تقریباً همه کسانی که از مسکو دیدار می‌کنند، به بازدید مقبره لنین و آرامگاه سرباز گمنام در پای دیوار کرم‌لین می‌روند. برای ما، دیدار از بنای یادبود لنین، اهمیتی بسیار فراتر از رفتن به یک جایگاه تاریخی دارای جاذبه جهانگردی داشت. ما می‌خواستیم به انسانی ادای احترام کنیم که نه تنها در زمان حیاتش رهبر کارگران و زحمتکشان جهان بود، بلکه به مثابه بنیانگذار لنینیسم - مارکسیسم عصر ما - آموزگار همه انقلابیون پیگیر و مبارزان راه محو استعمار انسان از انسان است. تنها همین احساس در قلب تک تک ما کافی بود تا به این دیدار، شکوه عظمت شایسته‌اش را ببخشند. اما گذشته از احساس درونی ما، خضوع پرشکوهی که فرزندان لنین، مردم شوروی، در

کورسرباز گمنام در اغلب کشورهایی که غزیت جنگ از آنجا گذشته، وجود دارد. در غرب، این قبر یک جاذبه توریستی ساده است که هر از چندی، سیاستمداران جهت رفع تکلیف و اجرای یک پرده نمایش جلوی دوربین‌های تلویزیونی، پای آن گل می‌گذارند. اما آنچه ما بر مزار



قلب تک تک مردم شوروی سرشار از احساس دوستی خلقت است

شیوه رژیم خمینی برای گزینش دانشجو

بقیه از صفحه اول
ناچارند برای راه یابی به دانشگاه از یافت خوان تحقیقات سیاسی-ایدئولوژیک و تقویت قرون و مطالبی ارگانهای امنیتی رژیم بگذرند. در این میان پذیرفته شدگان وابسته به نهادها موثف به برقراری نظم دلخواه رژیم در دانشگاهها و موسسات عالی ستند. آنها علاوه بر این، وظیفه کنترل آن عده از دانشجویانی را که دستگاههای امنیتی حکومت نتوانسته است به هنگام گزینش، وضعیت سیاسی-ایدئولوژیک آنان را به دقت شخص کند، به عهده دارند.

شخص مورد نظر، وابستگی سازمانی و گروهی، درجه وابستگی، عملکرد داوطلب در طول دوران تحصیل و ... نوشته شده است. (متن این فرم عیناً در نشریه اکثریت شماره ۱۸ چاپ شده است)

از آزمون سال ۶۳ تا کنون تجسس و تقویت در مورد داوطلبان، کنکور با تکیه بر اطلاعات سازمانهای رسمی امنیتی و ارگانهای قضایی رژیم به طور هماهنگ پیش برده شده است. دکتر فاضل زبیر آموزش عالی در بهمن ماه سال گذشته در مصاحبه با کیهان در مورد روش کار تحقیق و گزینش گفت: "از این پس برای این منظور مقرر شد ضوابط گزینش ونحوه استعلام از مراکز مطمئن و موثق رسمی در سال آینده به اجرا گذاشته شود یعنی از این پس برای تحقیق از منابع محلی غیر رسمی استفاده نخواهد شد."

(کیهان ۲۸ بهمن)
مرتجعین حاکم برای کنار گذاردن جوانان متعهد و انقلابی و توده میلیونی دانش آموزان و دانشجویان به انواع و اقسام بهانه‌های واهی متوسل می‌شوند. آنها هر جوانی را که از وضع موجود و فشارهای ناشی از سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی رژیم، از جنگ، تقویت و زندان، سرکوب آزادیهای فردی و اجتماعی، نبودن امکانات علمی و فرهنگی برای رشد و پرورش استعدادها و ... ناراضی است و یا هر جوانی که نخواستند در

مدرسه و محله در شمار متملقین و سالوسان و جاسوسان رژیم درآید و سر بر آستان انجمن‌ها و نهادهای ضد مردمی بساید بنام نداشتن "صلاحیت" از تحصیلات دانشگاهی محروم می‌کنند. تنها کافی است یکی از "چشم و گوش" های رژیم در باره داوطلبی گواهی به اصطلاح سو' بدهد تا انسانی را از ابتدایی ترین حقوق طبیعی و اجتماعی اش محروم سازند.

امسال برای گزینش دانشجویان علاوه بر روشهای سابق شیوه های جدیدی نیز بکار گرفته شده است. از نوبت مسئولین گزینش و از معیارها و ملاکهای آنها برای انتخاب داوطلبان پیدا است که پذیرفته شدگان را اساساً بر مبنای توانایی‌های علمی و استعدادهای آموزشی مورد سنجش قرار می‌گیرند بلکه بنا بر معیارهایی انتخاب می‌شوند که از نظر حکومت دارای "صلاحیت" سیاسی-ایدئولوژیک آنهم به تشخیص "قاضی ذیصلاح" باشند. این قاضی ذیصلاح فرد ارکان بی نام و نشانی است که هیچ فرد معترضی را امکان دسترسی به او نیست. در روزنامه کیهان ۱۲ مرداد شماره صندوق پستی ای داده شده که معترضین تنها از طریق آن می‌توانند با هیات "مخفی" گزینش تماس بگیرند. دبیر شورای مرکزی گزینش دانشجویان در مصاحبه با کیهان و اعلام شماره صندوق پستی مذکور و تاکید بر نقش "قضات ذیصلاح" در هسته‌های گزینش، برای ایجاد تمرکز و هماهنگی

تعمیقات و جلوگیری از " سردرگمی رژیم" به هنگام تجسس، خطاب به آن عده که وظیفه تحقیق و تقویت در احوال داوطلبان کنکور را به عهده دارند می‌گوید: "بدیهی است اطلاعات ارسالی و ذکر موارد سوء سیاسی و اخلاقی در مورد داوطلبین ورود به دانشگاهها و موسسات آموزشی "باید شامل موارد زیر باشد.

- ۱- نام و نشان با قید آدرس دقیق
 - ۲- اطلاعات ذکر شده باید مستند باشد و ذکر مراجع موثق جهت پی گیری ضروری است
 - ۳- اطلاعات در خصوص شرکت کنندگان در آزمون سراسری سال جاری بایستی در اسرع وقت ارسال گردد.
- با همه این تمهیدات رژیم همچنان از حضور دانشجویان مبارز در صحنه دانشگاهها هراسناک است. بنا به اظهار دبیر شورای مرکزی با وجود آنکه هیات گزینش سال ۶۳ تقویت شده و در هر هسته آن "قاضی مجرب" گمارده شده است، تا کنون نتوانسته کار گزینش سال گذشته را به پایان برساند.

رژیم گمان می‌کند بدینوسیله و با تشدید جو تقویت و خفقان می‌تواند بر دانشگاهها که یکی از کانونهای مهم مبارزه مردم و جوانان در رژیم جمهوری اسلامی و در دوران سرکوب و اختناق وحشیانه رژیم مغرور پهلوی بوده غلبه کند. رژیم خمینی، از بذر خشم و نفرتی که در دانشگاهها کاشته همان را خواهد دروید که حاصل حکومت ستم شاهی شد.

مرتجعین تاریک اندیش و خرافه پرور برای جلوگیری از رسوخ اندیشه‌های انقلابی و ترقیخواهانه در بیان توده دانشجویان منابع و سدهای مختلفی ایجاد می‌کنند. هر سال نرفندهای جدیدی ابداع می‌کنند. تا بلکه بتوانند حاکم بلانماز صحنه دانشگاهها باشند. روشهای تحقیق و گزینش را ماه به ماه و دوره به دوره تغییر می‌دهند و در هر مرحله جدید بر دامنه جو تقویت و تجسس می‌افزایند. مال گذشته تحقیق در مورد پذیرفته شدگان نه تنها از طریق انجمنهای اسلامی مدارس و محلات که رژیم آنها را "چشم و گوش" خود می‌خواند، پیش رفت بلکه فرمی نیز به مدیران مدارس، برخی معلمان (بویژه معلمان امور تربیتی) و انجمن های اسلامی داده شد که با پاسخ به پرسشهای آن وابستگی های مختلف دانش آموزان مال چهارم داوطلب آزمون سراسری مورد شناسایی قرار می‌گرفت. در این نرم پرسشهایی چون وابستگی سیاسی

باجمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را رفقای فدایی در شهر باری (ایتالیا) تأمین کردند

کمک‌های مالی رسیده

رفقای ماری (فرانسه) ۱۰۰ فرانک
کمک مالی از مون پلیر ۱۰۰ فرانک
رفیق مریم از پاریس ۱۰۰ تومان
کمک مالی رفقای رم به نشریه ۱۵۰۰۰ لیر
کمک مالی یک رفیق افغانی در ایتالیا به نشریه ۱۰۰۰۰ لیر
رفیق محسن، هدیه شما (سکه طلا) رسید

کشور خودمان، یادبودی در کنار پرچم ایران که روی یک نقشه جهان چاپ شده بود، بنویسیم. مشغول نوشتن که شدیم، همه آنهایی که خجالتی تر بودند جلو آمدند. صف مشتاقان خطما دیگر تمامی نداشت! اگر می‌ماندی، می‌بایستی تا صبح روز بعد فقط امضا می‌دادی! نوجوانان و جوانان شوروی با علاقه زیادی که بازتاب صادق روح دوستی با ملل دیتتر بود، به جمع آوری کلکسیون از یادگارهای جوانان سایر کشورها می‌پرداختند. آنچنان برای این یادگارا حرارت نشان می‌دادند که تا نمی‌دیدیم برایمان غیر قابل تصور بود. بازار مبادله اشیای یادگاری، از کارت و مدال و سنجاق سینه گرفته تا قلم و کیف، گرم بود. اشیایی که به خودی خود، ارزش چندانی نداشتند اما صمیمانه‌ترین احساسات انسانی و مردمی را منعکس می‌ساختند.

کشوریم. وقتی پاسخ شنیدم، با لهجه تاجیکی گفت "فارسی صحبت کنیم". معلوم شد اهل تاجیکستان است و در مسکو کار می‌کند. حداکثر ۲۵ سال داشت. از اوضاع ایران جوپا شد و گفتنی‌ها را شنیدم. هنگامی که فهمید متعلق به کدام سازمانیم، لبخندی بر چهره اش شکفت. نام فدایی را از فعالیت انقلابی سازمان در ترکمن صحرا می‌شناخت. چقدر باشکوه است که انسان بداند در میان این خلق بزرگ، چه دوستان و رفیقان زیادی دارد.

وقتی برای بار اول به جمع پایکوبان جوان پیوستیم، چهره‌های زیادی می‌دیدیم که گویی می‌خواستند چیزی به ما بگویند، اما تردید داشتند و جلونی آمدند. بعد، علت را فهمیدیم: یکی که از همه با جرات تر بود، از ما خواست به خط

نقش و پایکوبی، همه جا بحث و گفتگو، همه جاشور و زندگی بود. با همه خستگی که ۱۰-۱۵ ساعت فعالیت روزانه به همراه می‌آورد، مگر دلمان بی‌آمد کرده‌هایی پرشکوه میدان سرخ و اطراف آن را به حال خود بگذاریم و به بستر برویم؟ نه، باید از این مرچشمه تا هر حد که می‌توان سیراب شد! بارها پیش آمد که فردی با به یاد آوردن کارهای سنگین فردا، ترک مجمع شورانگیز شبانه را به خود نسیل می‌کرد و به اقامتگاهش بازمی‌گشت، اما دیگر بارتاب ماندن نمی‌آورد و بیرون می‌آمد تا از این همه نور و زندگی، چیزی را از دست ندهد. یک بار که یکی دو ساعت پس از نیمه شب، به دیدار جمع هزاران نفره "میدان انقلاب" و "میدان سوردلف" رفته بودیم، در میان جمعیت کسی از ما پرسید که اهل کدام

بقیه از صفحه اول وارد شد. او در این

مدرسه تحت آموزشهای "سید عظیم شیروانی" با ادبیات و شعر آشنا شد و به مطالعه آثار "نظامی" و "فضولی" پرداخت. در این هنگام خود او نیز شعر می‌سرود و اشعاری را نیز به فارسی ترجمه می‌کرد. "صابر" در سال ۱۲۶۲ شمسی به ایران و عراق مسافرت نمود و پس از مراجعت در سال ۱۲۶۹، ازدواج کرد و برای گذران زندگی به پیشه صابون پزی روی آورد. در این سالها "صابر" زندگانی دشواری را می‌گذراند و هرگاه فرصتی می‌یافت به سرائیدن شعر می‌پرداخت.

این وضع تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت. شعله‌های فروزان انقلاب ۱۹۰۵، استعداد درخشان صابر را که در زیر لایه‌های سنگین و کدر سنن مهجور پنهان مانده بود، شکوفان ساخت. انقلاب در جهان بینی صابر و شکل‌گیری عقاید دموکراتیک و انقلابی او تأثیرات عمیقی بر جای نهاد. فعالیت و آثار ارزشمند او در این سالها، نام او را در زمره شاعران و نویسندگان انقلاب ۱۹۰۵ به ثبت رساند.

در سالهای آغازین قرن بیستم، قفقاز یکی از کانونهای بزرگ تجمع ایرانیان بود. هر سال هزاران نفر از ایرانیان تحت شرایط جبر اقتصادی، به منظور یافتن کار به سوی معادن نفت، مس، نمک و سیمان و یا اشتغال در کارهای ساختمانی و راه آهن، بدان دیار روانه می‌شدند. به طوریکه تنها در سال ۱۹۰۵ تعداد ایرانیانی که از مرز ایران و روسیه عبور کردند بالغ بر سیصد هزار نفر بود. شرایط طاقت فرسای کار و جو انقلابی سالهای ۱۹۰۵، ایرانیان مهاجر را به مبارزه حق طلبانه‌ای جذب می‌نمود. شرکت کارگران ایرانی در مبارزات و اعتصابات کارگران آن نواحی، واز جمله شرکت در اعتصاب سال ۱۹۰۶ معادن مس و کارخانه‌های "الله‌وردی"، باعث نزدیکی هرچه بیشتر زحمتکشان هر دو کشور گشته بود. بطوریکه آگاه‌گران انقلابی و نویسندگان و هنرمندان مرفقی قفقاز به رویدادها و مسائل جنبش انقلابی ایران، به مثابه امری مشترک می‌تخریستند.

در چنین شرایط و زمینه‌ای بود که در سال ۱۹۰۶، هفته‌نامه طنزآلود و انتقادی "ملانصرالدین" به همت "میرزا جلیل محمدقلی زاده"، نویسنده نامدار آذربایجان منتشر شد. "میرزا علی اکبر صابر" از همان ابتدا به جمع انقلابی، هنری و ادبی "ملانصرالدین" پیوست و از

آن پس بطور دائم با این نشریه همکاری کرد. صابر با اشعار طنزآلود و افشاگرانه خود، در تنویر افکار عموم، نقش برجسته داشت. بدینسان حضور صابر در جمع نویسندگان و هنرمندان "ملانصرالدین"، میدان وسیعی را در برابر این سخنگوی توانا

تشویش و نگرانی محمدعلیشاه و اعوان و انصارش، رشادتهای فدائیان و مجاهدان، بی رمقی و کم‌جانی مجلس شورای ملی، استمداد شاه از دولت‌های امپریالیستی، سرسپردگی روحانیون مرتجع و بالاخره شکست انقلاب، در اشعار او انعکاس نام و

صابر، شاعری از قفقاز در انقلاب مشروطیت

کشود و از آن پس فریاد شاعر که از میان شعله‌های انقلاب سر برمی‌کشد در بسیاری از کشورهای خاور زمین شنیده شد.

طنز افشاگرانه، کزنده و آگاه‌گرانه صابر، بر ارتجاع و مرتجعین گران آمد. چندانکه بانشر هر شماره از نشریه ملانصرالدین، بر تعداد دشمنان و بدخواهان وی افزوده می‌شد. اشعار صابر و دیگر نوشته‌ها و مقالات ملانصرالدین از سوی

روحانیون مرتجع تحریم می‌شد و روحانیون این نشریه را "اوراق مقله" می‌نامیدند و ناشرین و خوانندگان آنرا مورد لعن و تکفیر قرار می‌دادند.

نویسندگان "ملانصرالدین" با اوضاع و شرایط ایران به‌خوبی آشنا بودند. از جمله صابر نیز اطلاعات و معلومات کافی تاریخی، سیاسی و اجتماعی درباره ایران داشت. او که در جوانی به ایران مسافرت کرده بود، با زندگی و شیوه گذران ایرانیان از نزدیک آشنایی داشت، واز استبداد لجام گسیخته شاه، خودسری و جور و ظلم خوانین و مالکان، واز نفوذ دم‌افزون سرمایه‌های خارجی در ایران باخبر و مطلع بود. صابر همچنین وضع رفعت بار زحمتکشان ایرانی را که برای امرار معاش به آنسوی رود ارس مهاجرت کرده بودند را نیز از نزدیک مشاهده می‌کرد. صابر بعد از سال ۱۹۰۵، رویدادهای انقلابی ایران را قدم به قدم دنبال کرده، و ما حاصل همه این دانسته‌ها، شالوده شعرهای بی‌نظیر او درباره ایران شد.

هنر والای صابر آن بود که از وقایع مهمی که در آن روزگار در کشور ما، رخ می‌داد، به درستی ارزیابی داشت و این ارزیابی را در قالب اشعار طنزآلود تیلور می‌بخشید.

در سالهای ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۰، حوادث انقلاب ایران یکی از مضامین اصلی طنز صابر بود. می‌توان گفت که تمام حوادث و مراحل انقلاب، از چگونگی پیدایش جنبش مشروطیت،

تمام یافته است.

اشعار صابر، علیرغم تمهیدات روحانیون مرتجع و شخص محمدعلی میرزا در توقیف "ملانصرالدین"، همواره به ایران می‌رسید و در تبریز و دیگر نقاط آذربایجان بر سر زبانها می‌افتاد. مردم آذربایجان خود بندهائی به اشعار صابر می‌افزودند و یا حتی شعرهای تازه‌ای به تقلید از آن می‌ساختند. و این همه در حالی بود که در سایر شهرهای بزرگ ایران مانند تهران، رشت، اصفهان و غیره ترجمه اشعار صابر و با تقلید از مضامین و سبک کار او رواجی فزاینده داشت.

به عنوان نمونه، نشریه "نسیم شمال" که در رشت منتشر می‌شد، یکی از فعالیت‌های عمده اش، ترجمه اشعار صابر و یا سرودن اشعاری با مضامین و سبک کار صابر بود. سروده‌های "صابر" همچون پیکان زهرآکین بر جان دشمنان انقلاب می‌خلید و تأثیرات افشاگرانه آن در ذهن توده‌ها، آبرویی برای مرتجعین باقی نمی‌نهاد. سروده‌زیر، شعر طنز آمیزی است، که صابر از زبان روحانی مرتجع "حاجی میرزا حسن مجتهد" به هنگامی که مشروطه خواهان تبریز، به واسطه خیانت‌های این روحانی، وی را از شهر رانده بودند، سرانیده است. این شعر افشاگرانه صابر، همین امروز نیز که ضد انقلابیون سلطنت طلب در فکر بازگشت به کشور و تقسیم "غنائیم" می‌سوزند، نیز تازگی و بهرانی دارد. و از آن گذشته سرنوشت ضد انقلابیون حاکم را در آینده نزدیک ترسیم می‌کند:

"گرگی بودم که در جلد کوسفند رفته
 "هر ابله بیچاره‌ای را می‌دیدم
 "و هر کس لب به حرف حق می‌گشود
 "دهنش را می‌دوختم

...

"نمیدانم چه کسی چوب در لانه زنبور
 کرد

"و خفته‌ها را بیدار ساخت ۱۴

"نمی‌دانم این نهال فتنه را چه کسی
 کاشت
 "که هر چه بریدم بیشتر شاخ و برگ
 داد؟
 ..."

"اکنون هوس دیدن "تبریز"
 "آرزوی تعظیم و تکریم
 "شوق سفره گسترده

"بوی مطبوع مطبخ

"رایحه فرحبخش برنج صدی
 "و اندیشه شربت و افشره

دیوانه‌ام کرده است

"پروندگان!

"آیا بازم آن روزها را خواهیم دید
 "یا این خیال خام را با خود به گور
 خواهم برد؟"

آزادیخواهان و قهرمانان مردمی، کارگران و زحمتکشان در سروده‌های "صابر" از احترام و محبت بی‌کراتی برخوردارند. قطعات "ای کارگر، آیا شمری خویشتن انسان"، "به کارگران باکو" و نیز ستایش نامه شیوای او درباره مردم قهرمان تبریز و ستارخان سردار ملی ایران، بیانگر این روح آزادمنش و انسانی اوست. ابیات آغازین این ستایش نامه چنین است:

"حال مجلوبم گوروب، فار، دیم
 دیوانه در

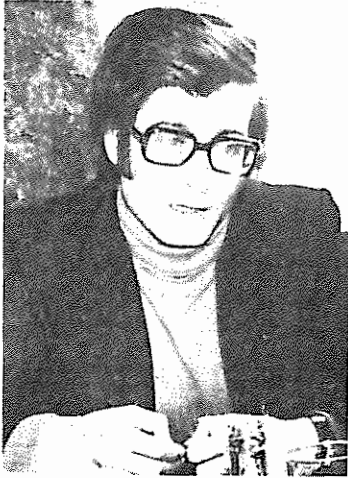
نعره شوریده می‌ظن ایتمه بر افسانه در
 شاعر طبعم دژ، شعر ترسیم دردانه در
 آفرینم همت والای ستارخانه در...
 "حال مجلوبم چو می‌بینی مگو دیوانه
 است

ظن مبر این نعره شوریده‌ام افسان
 است
 شاعر، در یاست طبعم، شعر من
 دردانه است
 آفرین چون همت "ستارخان" مردان
 است."

شعر "صابر" از آگاهی و عاطف شورانگیز او نسبت به مردم و انقلاب ایران و از مراودات او با انقلابیون بزرگی چون "مشهدی عظیم بیک اوغلی" (از پیشوایان نهضت انقلابی آذربایجان) نشأت می‌گرفت و بهمین خاطر در میان انقلابیون ایران شور و شوقی وافر ایجاد می‌نمود. به طوریکه در جریان قیام تبریز، یکی از وظایف مهم کمیته انقلاب جلفا، رساندن اشعار جدید صابر - که در ملانصرالدین منتشر می‌شد - به سنگرهای رزمندگان تبریز بود.

صابر، پس از آنکه عمری ر در مبارزه گذراند، در تنگدستی تمام و به علت بیماری سل در سال ۱۲۹۰ شمسی چشم از جهان از فرو بست ●

آشنایی با محمود درویش، شاعر خلق فلسطین



در میان سخنسرایان صلحدوست و ترقیقخواه معاصر، بی شک نام محمود درویش شاعر فلسطینی جای ویژه ای دارد. محمود درویش در سال ۱۹۴۲ در جلیلیه متولد شد. وی در سال ۱۹۵۸، به اتفاق شاعر دیگر، در اسرائیل نخستین مجموعه شعر فلسطینی را منتشر ساخت. وی به عضویت گروه "الارض" که پاسداری از هویت ملی و سنن میهنی فلسطینی ها را هدف خود قرار داده بود، درآمد. در دهه ۶۰، مقامات صهیونیست چندین بار شاعر جوان را بازداشت کردند. گروه "الارض" ممنوع اعلام و محمود درویش در حیفات تحت نظر قرار گرفت. درویش در سال ۱۹۷۰ ناچار شد به لبنان مهاجرت کند، و هنگامی که اشغالگران اسرائیلی به این کشور تجاوز کردند، به پاریس رفت. در حالیکه هفته ها مبارزه در صفوف مدافعین قهرمان بیروت را پشت سر گذاشته بود. تجربیات این دوره در آخرین اثر بزرگ او، شعر ۴۰ صفحه ای "بیروت" بازتاب یافته است. اشعار درویش، سراپا بازتاب پیوند عمیق او با مقاومت فلسطین، با آرزوی پرشکوه احیای حقوق ملی خلق فلسطین است.

اینک قلعه ای از شعر "بیروت":

<p>کلی چند بار می شکفت؟ انقلاب چند بار سفر می کند؟ صبرا از شب می ترسد. شب را به دامان خود می نشاند و آنرا با چشمان سیاه خود می پوشاند. می گریه تا شب را منحرف سازد آنها رفتند بدون آنکه از بازگشت سخن گویند بژمردند اما خم نشدند و روی برنگرد انددند از درخشش گل سرخ. آنها باز گشتند امانه به میدا. زندگی؟ همچون کودکانی که از بوسه ای می گریزند. نه! تبعید گاهی ندارم تا بگویم میهنی دارم.</p>	<p>که او را پشت سر نهادند صبراتها قادر است سکوت خود را با چند گل سرخ و بایک کاکل بفرود و بفروشد، و این را سر بازاری که از جلیلیه آمده اند می دانند. صبرا از نیمه از دست رفته خود می پرسد: چرا مرا ترک می کنی و زنان خود را به شب آهنین می سپارید؟ چرا می روید؟ صبرا سینه عریان خود را با سرود و داع می پوشاند و دستان خود را می شمارد، اما وقتی یک دست خود را نمی یابد، در شمارش به اشتباه می افتد. چند بار دیگر باید سفر کنیم؟ تا کی؟ و با چه رویایی؟ و هرگاه روزی باز گردید- به کدام تبعیدگاه به کدام تبعیدگاه باز می گردید؟ صبرا سینه عریان خود را می درد</p>	<p>بیروت در شب - هیچ ظلمتی تیره تر از این نیست. تنها هنگام فرو افتادن بر خاک، نور می تراود از من... نقش ها در نمایش خونین و از کون شده است: جز کشتگان داوری نیست. قاتل و شاهد دست به دست هم دادند و کشتگان را به قلمرو قاتلان نشان بردند... صبرا دخترک خفته. مردان رفته اند و جنگ فرو خوابید، دوشب کوتاه بیروت تسلیم شد و پایتخت گردید. شبی طولانی در کمین رویاهای صبرا نشست و صبرا در خواب بود صبرا ای قیایای دست یک جسد. از سواران خود و از زمان خود وداع کرد و خویشتن را به دست خواب سپرد. از خستگی و از غرباهی</p>
---	--	--

آفریقای جنوبی: لحظه سرنوشت

آستانه جنگ داخلی قرار داده است. عصر جدید سپس به منافع آمریکا و سایر کشورهای ناتو در آفریقای جنوبی اشاره می کند و از جمله می نویسد: حجم سرمایه گذاریهای ایالات متحده در این کشور ۲ میلیارد دلار و سرمایه گذاریهای بریتانیا از این هم بیشتر است. در پایان مقاله، پس از بر شمردن به نعل و میخ زدن کشورهای غربی در رابطه با آپارتاید، آمده است:

"اما همه شواهد حاکی از آن است که زمان شعبده بازیهای دیپلماتیک به سر رسیده است. رویدادهای کنونی پیش از پیش نشان می دهد که "دژ سفید" امپریالیسم در جنوب آفریقا، هر قدر هم که دولتهای غربی تلاش کنند، از لحاظ تاریخی سقوط کرده است."

فعال سیاسی را که به زندان می افتند بلافاصله دیگران می گیرند، و تشییع جنازه قربانیان جدید ترور نژاد پرستان پیوسته به تظاهرات اعتراضی پرتروانی تبدیل می شود.

در ادامه مقاله آمده است که اعلام حکومت نظامی توسط رژیم آفریقای جنوبی این کشور را در

غیر انسانی آپارتاید می افزایش در حالیکه قیام های پیشین مردم آفریقای جنوبی به علت خود بخودی بودنشان فوراً سرکوب می شدند، "امروز وضعیت بگونه دیگری است. سابقه ندارد که توده ها در همه جا اینچنین مصمم و متشکل علیه رژیم نژاد پرست بپاخاسته باشند. جای صدها نفر



هفته نامه شوروی "عصر جدید" سر مقاله شماره ۲۲ خود را به رویدادهای اخیر آفریقای جنوبی اختصاص داده و تحت عنوان فوق می نویسد:

"رویدادها در جمهوری آفریقای جنوبی آنچنان یکی پس از دیگری به وقوع می پیوندند که نمی توان پیش بینی کرد هنگامی که این نشریه به دست خواننده می رسد، در آنجا چه وضعی حاکم خواهد بود. اما یک چیز را می توان از هم اکنون به جرات گفت: در آنجا لحظه سرنوشت فرا رسیده است. جمعیت ۲۵ میلیونی سیاه این کشور کاسه صبرش از نظام آپارتاید، از حاکمیت و امتیازات ویژه ۴/۷ میلیون سفید لبریز شده است." عصر جدید با اشاره به ماهیت

گفتگوی "اکثريت" با دو تن از رهبران جنبش جهانی صلح

بقیه از صفحه اول

گفتگوی "گوردون شیفر" عضو شورای جهانی صلح

مانطوریکه گفتیم خطرناک است. "گوردون شیفر" در پاسخ به این سؤال که به نظر شما چه نیروهایی تلاش دارند دنیا را در آستانه جنگ قرار دهند گفت:

"از همان روزی که اولین بمبهای اتمی بر روی شهرهای ناکازاکی و هیروشیما آزمایش گردید، مشخص بود که هدفشان در پایان جنگ، بر اساس نابودی فاشیسم نبوده است. بلکه هدف این بود که به شوری تفهیم گردد که "ما آقای دنیا هستیم"، اسناد و شواهد فاطمی در دست است که نشان می دهد زمانیکه آمریکا انحصار بمب اتمی را در دست داشته است بارها جهان را به استناد از آن تهدید کرده است. در دفتر خاطرات "فارسترو" وزیر دفاع وقت آمریکا آمده است:

"سالیانی که ما انحصار بمب اتمی را در دست داشتیم سالهای طلایی ما بودند" در دفتر خاطرات "فارسترو" بوضوح آمده است که اولین سری بمبهایی که در سال ۱۹۴۸ به انتالیس وارد شده بود قرار بود که علیه اتحاد شوروی و در مسکو استفاده شود. "هنری کیسینجر" وزیر امور خارجه سابق آمریکا نیز گفته بود: "بزرگترین اشتباه آمریکا در زمان انحصار بمب اتمی این بود که از آن استفاده نکرد." در همان زمان سفیر آمریکا در شوروی تخمین می زد که "شورویها در دهسال بعد قادر به تولید بمب اتمی نخواهند بود". اما این پیش بینی بسیار زودتر به بمب اتمی دست یافت و تنها این مسئله بود که مانع استفاده آمریکا از بمب اتمی گردید.

از آن زمان اقداماتی در زمینه محدود کردن تولید سلاحهای هسته ای و همچنین پایان دادن به سابقه

تسلیماتی انجام گرفت. امضا قرار دادهای "سالت ۱ و ۲" و همچنین امضا معاهده ای که به "قطعنامه هلسنکی" شهرت یافت از آنجمله است. در قطعنامه نهایی هلسنکی گفته شده است که دو نظام می توانند از هم نفرت داشته باشند، می توانند با هم رقابت داشته باشند ولی علیرغم همه اختلافات و تضادهای می توانند و باید با هم همزیستی داشته باشند. اکنون دهسال از امضا معاهده های فوق می گذرد، در چندین مورد و منجمله موردی که اخیرا مطرح گردیده است یعنی "جنگ ستاره ها" هم به قطعنامه هلسنکی و هم به "سالت ۱ و ۲" خیانت شده است. همین امر روشن می کند که در هر دو مورد اتحاد شوروی بطور پیکر برای خلیج سلاح عمومی پیشنهادهای مناسب داده است ولی طرف دیگری یعنی آمریکا همیشه در جهت دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی اقدام کرده است و این گفته از اینرو نیست که جنبش صلح ضد آمریکایی یا طرفدار شوروی است بلکه بدین دلیل است جنبش صلح و اقطاعفردا صلح است.

آقای "گوردون شیفر" در مورد نقش تخریبی جنگ ایران و عراق در به خطر انداختن صلح گفت:

چیزی که من می توانم در این زمینه بگویم اینست که این جنگ در خدمت منافع امپریالیستها می باشد و باید هر چه زودتر قطع گردد. ادامه جنگ تنها در خدمت اجرای سریعتر طرحهای آمریکا در زمینه تقویت نیروی نظامی خود در خلیج فارس، خاورمیانه و اقیانوس هند است. به این امر باید توجه جدی داشت که اقیانوس هندو خلیج بشدت توسط آمریکا نژامی می گردند و این روند سرعت بیشتری می یابد.

گفتگوی "پرایکسون" مسئول کمیته صلح سوئد

رفیق پرایکسون مسئول کمیته صلح سوئد استوار در سال ۱۹۲۷ به عضویت "اتحادیه جوانان کمونیست" و در سال ۱۹۲۱ به عضویت "حزب کمونیست سوئد" درآمد. وی در جنگ های داخلی اسپانیا در بریتانیا انترناسیونالیستی شرکت داشت و بارها مجروح گردید. پرایکسون در طی سالهای جنگ مجبور به ترک سوئد گردید. پس از بازگشت، در سال ۱۹۵۰ در کمیته صلح سوئد بفعالیت مشغول گشت.

رفیق اریکسون بعنوان مسئول کمیته صلح سوئد در گفتگویی با خبرنگار اکثريت شرکت کرد وی در مورد دور جدید مذاکرات ژنو پیرامون خلع سلاح عمومی ابراز داشت:

قطع مذاکرات صلح ژنو در چندی قبل بعلت تلاش در جهت استقرار موشکهای میان بردهسته ای در اروپا از سوی آمریکا و پیمان ناتو بود. این موشکها قادرند مستقیما اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را هدف قرار دهند. با استقرار این موشکها از سوی پیمان ناتو، در اس آنها آمریکا و نقض آشکار مواردی که در دستور بود، مذاکرات قطع شد. اما امروز مسائل جدیدی پیش آمده است که عمده ترین آنها همان "جنگ فضایی" می باشد که باعث تیرگی هر چه بیشتر اوضاع می گردد. امروز اتحاد شوروی پیشنهادهای باز هم مشخص تری ارائه داده است و امیدوار هستیم که این دور مذاکرات به نتایج بهتری برسد. آنچه که ما مربوط می شود این است که ما در تمام مدت سعی خواهیم کرد افکار عمومی را در این رابطه با تمام توان خود بسیج نمائیم.

رفیق پرایکسون ارزیابی خود را از کنفرانس امنیت و همکاری اروپائی در استهکلم اینچنین ابراز داشت: هم اکنون در کنفرانس استهکلم بحث حول اقدامات امیدوار کننده ای جریان دارد و پیشنهادهای فراوانی به کنفرانس ارائه شده است. بسیاری از این پیشنهادها با هدف متوقف نمودن استقرار تسلیحات اتمی در اروپا ارائه شده است. بر اساس این پیشنهادها تصمیماتی اتخاذ گردیده که در صورت اجرا واقعا می توانند امیدوار کننده باشند. به نظر من کنفرانس نتیجه دستاوردهای



پرایکسون، مسئول کمیته صلح سوئد

مثبتی داشته است.

رفیق اریکسون در مورد جنگ ایران و عراق گفت: انحصارات فراملیتی، تولید کنندگان و فروشندگان اسلحه و تجهیزات نظامی به طرفین درگیر تنها کسانی هستند که از ادامه این جنگ سود می برند. بازندگان اصلی این جنگ، خلقهای هر دو کشور می باشند اما این فقط خلقهای این دو کشور نیستند که از این جنگ صدمه می بینند. این جنگ برای صلح در تمامی جهان اهمیت دارد. تداوم این جنگ می تواند باعث شعله ور شدن هر چه بیشتر آتش آن و افزایش خطر تبدیل آن به یک جنگ جهانی گردد.

بسیار مهم است که این جنگ هر چه زودتر خاتمه داده شود. باید همه نیروها را در حد امکان برای خاتمه آن بسیج نمود.

در مورد لگد مال شدن حقوق بشر در ایران توسط رژیم خمینی مسئول کمیته صلح سوئد ابراز داشت:

"ما اصولا با هر گونه پیکرد و آزار، شکنجه و لگد مال نمودن حقوق بشر کاملاً مخالف هستیم. مادرسالیهای اخیر شاهد وقوع آن در ایران بوده ایم. ما زمانی که مردم ایران خود را از یوغ رژیم شاه آزاد نموده و با امپریالیسم آمریکا به مبارزه برخاستند، از آن با شادی استقبال نمودیم. اما روند وقایع به گونه و سستی بوده است که اکنون نیروهای راستگرا هم در ایران هم در عراق به این جنگ خانمانسوز ادامه می دهند. ما از مبارزه خلقها علیه استبداد و ستم پشتیبانی نموده و از استبداد و ستم پشتیبانی ایران و عراق برای صلح فوری و بازسازی آزاد کشورهای خود فارغ از ستم امپریالیستی پشتیبانی می کنیم.

مرگ شیمیائی، ارمغان انحصارات

بقیه از صفحه ۳

چه در سطح بین المللی، در آغاز نگرانی معینی از استفاده عراق از سلاحهای شیمیائی ابراز گردید، اما اقدامی جهت متوقف نمودن این روند صورت نپذیرفت.

اهمال در انجام اقداماتی بر علیه عراق باعث گردیده است که ایرانیها نیز تصمیم به تولید سلاحهای شیمیائی بگیرند.

بر شده بودند، مشاهده نمود. مقامات دولتی تعدادی از کشورهای این منطقه نگرانند که در صورتی که از تولید و استفاده از این نوع سلاحها بموقع جلوگیری نشود، این سلاحها به تدریج به جزئی بدیهی از جنگهای معمولی (غیر اتمی) تبدیل شده و کشورهای منطقه این مواد جنگی را به زرادخانه های خود اضافه نمایند. اگر

انتخابات ارگانهای محلی در افغانستان

برای نخستین بار در تاریخ افغانستان، مردم این کشور امکان یافته‌اند تا ارگانهای محلی قدرت دولتی را از طریق انتخابات عمومی برگزینند. شوراهای روستاها و محلات شهرها، برای مستقیم و مخفی انتخاب می‌شوند. برای همگان حق رای مساوی وجود دارد هر شهروند افغانستان که بالای ۱۸ سال سن داشته باشد، می‌تواند انتخاب کند و انتخاب شود. هیچگونه محدودیت ملی، مذهبی یا حزبی در این انتخابات وجود ندارد. نامزدها صرفنظر از موقعیت مادی و اجتماعی‌شان از حقوق برابر برخوردارند.

ببرک کسارمل دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان طی سخنانی اظهارداشت این انتخابات بر اساس برنامه عمل حزب و اسناد مصوبه کمیته مرکزی و دولت انجام می‌گیرد. هدف نخست، دفاع از میهن و انقلاب، هدف دوم، رشد و بهبود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و معنوی زندگی و هدف سوم دمکراسی واقعی است. وی افزود مشارکت نمایندگان همه اقوام و ملیتهای کشور در شوراهای محلی ضرورت دارد.

بنابه تصمیم دولت افغانستان، که با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی بخشهای مختلف کشور اتخاذ شده، انتخابات مرحله به مرحله برگزار خواهد شد. نخستین مرحله در استان کابل انجام گرفت. تا پایان سال جاری، این انتخابات در پنج استان به پایان خواهد رسید که عبارتند از بلخ، بدخشان، کابل، ننگر و نیمروز.

افشای فعالیت ضد افغانی آلمان فدرال

طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در کابل برگزار شد، مدارک جدیدی در تایید دخالت مستقیم محافل حاکمه آلمان فدرال در جنگ اعلان شده امپریالیسم و ارتجاع علیه افغانستان منتشر گردید. در این کنفرانس مطبوعاتی، مقامات افغانی اظهار داشتند اخیراً یک ایستگاه تلویزیونی آلمان فدرال فیلمی را که توسط افرادی به هیأت پزشکی، جعل شده بود، نشان داد. این عده، که اهل آلمان فدرال هستند، بطور غیر قانونی و همراه با یک باند ضد انقلابی وارد افغانستان شده بودند. گزارش جعلی آنها، ماهیت کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به افغانستان و نقش واحدهای نیروهای شوروی در این کشور را واژگون جلوه داده است نویسندگان و "قهرمانان" فیلم، این واقعیت را اپوشانی کردند که محافل حاکم جمهوری فدرال آلمان و سایر کشورهای ناتو مسئول مستقیم تخریب ۱۸۱۴ مدرسه و ۹۰۴ تعاونی دهقانی و مرگ هزاران شهروند بیگناه افغانی هستند.

در کنفرانس مطبوعاتی کابل، به خبرنگاران نمونه‌های اسلحه ساخت آلمان فدرال را که در جریان پاکسازی باندهای ضد انقلابی توسط ارتش افغانستان بدست آمده است، نشان دادند. داود کاویان، مدیر کل خبرگزاری باخت در کنفرانس اظهار داشت رهبران انواع و اقسام سازمانهای "اسلامی" که در کشورهای مجاور افغانستان پناه گرفته‌اند، هربار که به بن پایتخت آلمان فدرال می‌روند از استقبال بسیار گرم و در صلح عالی برخوردار می‌شوند.

اجلاس سران عرب به پایان رسید

اجلاس سران کشورهای عربی که بدون شرکت کشورهای ترقیخواه عرب در کازابلانکا (مراکش) برگزار شد، به پایان رسید. روزنامه الجزایری "الشعب" در این باره می‌نویسد: "نشست اضطراری سران کشورها و دولتهای ملل عرب که در کازابلانکا به کار خود پایان داد، نه تنها نتوانست هیچ نتیجه مثبتی ببار آورد، بلکه علاوه بر این به همبستگی اعراب نیز لطمه وارد آورد." این روزنامه می‌افزاید اجلاس کازابلانکا اختلافات میان اعراب را، همانگونه که در نظرات مختلف پیرامون موضوعات مورد بحث، به ویژه موافقتنامه اردنی-فلسطینی بازتاب یافت، تشدید نمود. الشعب خاطر نشان می‌سازد این نکته قابل توجه است که مهمترین به‌ش مسئله فلسطین، یعنی اشغال این سرزمین توسط اسرائیل و مبارزه فلسطینی‌ها برای آزادی آن، در کازابلانکا به فراموشی سپرده شد.

روزنامه سوری "الثوره" نیز در این مورد می‌نویسد که در نشست اخیر تلاش به عمل آمد تا تصمیمات مشترک اتخاذ شده در اجلاس سران عرب، منعقد در سال ۱۹۸۲ در فاس مورد تجدید نظر قرار گیرد الثوره تاکید می‌کند کوشش به منظور به تایید رسانیدن موافقتنامه امان در کازابلانکا حرکتی در جهت کشاندن اعراب به مذاکرات جداگانه با اسرائیل و تسلیم در برابر نقشه‌های آمریکا و اسرائیل بود.

عملیات موفقیت آمیز میهن پرستان لبنان

میهن پرستان لبنان دست به چندین فقره عملیات موفقیت آمیز دیگر علیه اشغالگران اسرائیلی زدند. در جریان یکی از این عملیات، ستاد مرکزی "ارتش جنوب لبنان" (مزدوران لبنانی اسرائیل در جنوب لبنان در اطراف شهر مرجعیون مورد حمله قرار گرفت. همچنین مواضع اسرائیلی‌ها در منطقه جبل الدهر هدف آتش میهن پرستان واقع شد. در یک روستا میان یک دسته از یارتهزانهای لبنانی و یک واحد گشتی اسرائیلی یک درگیری مسلحانه به وقوع پیوست که طی آن اشغالگران، متحمل تلفات سنگین جانی شده و تجهیزات زیادی از دست دادند.

از سوی دیگر، نیروهای اسرائیلی به کمک واحدهای متحدین لبنانی‌شان به اجرای تاکتیک مرعوب ساختن مردم جنوب لبنان ادامه می‌دهند. چندین روستا توسط تانکها و توپخانه اسرائیلی‌ها مورد حمله قرار گرفت. یک روستا بنام ارنون بیش از دو هفته است که در محاصره اشغالگران واقع شده و اسرائیلی‌ها مردم این روستا را از آب و برق محروم کرده‌اند.

دستگیری فلسطینی‌ها در کرانه غربی رود اردن

مقامات اسرائیلی چندین نفر از فعالین دانشجویی دانشگاه فلسطینی نابلس (واقع در کرانه غربی اشغالی رود اردن، را دستگیر کردند. طبق قانون جدید صهیونیستها، این عده به مدت شش ماه در بازداشت خواهند بود و پس از آن، به گفته یک

سخنگوی نظامی از مناطق اشغالی تبعید خواهند شد. دانشگاه نابلس نیز برای مدت نامعلومی تعطیل گردیده است.

لازم به یادآوری است که تل آویو اخیراً برای جنبه "قانونی" بخشیدن به اقدامات سرکوبگرانه علیه اعراب، مقرراتی را به تصویب رسانده که طبق آن، دستگیری و بازداشت بدون محاکمه افراد "مشکوک" و تبعید آنها از سرزمینهای اشغالی به بهانه "تهدید امنیت اسرائیل" مجاز است. دولت همچنین دستور تعطیل نشریاتی را که علی‌رغم سانسور حاکم، از قوانین حکومت نظامی اشغالگران انتقاد می‌کنند، صادر کرده است. اجرای این قوانین جابراه، با ساختن زندانهای جدید در سرزمینهای اشغالی عرب همراه است.

تخصیص میلیونها دلار

برای ترور و خرابکاری از سوی آمریکا

ریگان رئیس جمهور آمریکا قانونی را امضا کرد که به موجب آن طی دو سال مالی ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷، ۲۵/۴ میلیارد دلار برای کمک نظامی و اقتصادی به سایر کشورها اختصاص خواهد یافت. وی طی سخنانی هنگام امضای این قانون از گنجانده شدن کمک ایالات متحده به ضد انقلابیون نیکاراگوئه در این قانون اظهار خشنودی نمود. از میان میالغ یاد شده، ۱۵ میلیون دلار به اشغالگران افغانی و ۵ میلیون دلار به مرتجعین خمر که علیه کامبوج مستقل فعالیت می‌کنند، داده خواهد شد.

تل آویو شش میلیارد دلار به اضافه ۱/۵ میلیارد دلار دیگر به عنوان کمک اضطراری اقتصادی دریافت خواهد کرد. واشنگتن از این طریق می‌کوشد پتانسیل نظامی متحد استراتژیک خود در خاورمیانه را افزایش داده و از فروپاشی اقتصاد اسرائیل که زیر بار سنگین مخارج نظامی کمر خم کرده، جلوگیری نماید.

نگرانی هندوستان

از برنامه هسته ای رژیم ضیاالحق

نمایندگان پارلمان هند نگرانی جدی خود را از خرید مخفیانه تجهیزات و اجزای لازم برای ساختن سلاحهای اتمی توسط پاکستان ابراز داشتند. معاون دبیر کل حزب کنکره (ایندیرا) طی سخنانی در مجلس هندوستان گفت بر اثر توطئه مشترک واشنگتن و اسلام آباد، پاکستان اجزا الکترونیکی بمب اتمی را دریافت داشته است. در پاسخ یک سؤال نمایندگان پارلمان، خورشید عالم خان وزیر مشاور در امور خارجه هند نگرانی خود را از این واقعیت که برنامه هسته‌ای پاکستان از حد یک برنامه مسالمت آمیز بسیار فراتر رفته، ابراز داشت. وی تاکید کرد که دولت هند از اینکه برخی کشورها چشمان خود را بر وی این کام خطرناک پاکستان بسته‌اند، به شدت نگران است. وی افزود تولید سلاح هسته‌ای توسط اسلام آباد اوضاع منطقه را مورد تغییر کیفی قرار خواهد داد.

وزیر مشاور در امور خارجه هند گفت دولت هند برنامه‌هایی برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای در دست اجرا دارد اما قادر است اقدامات لازم را نیز برای دفاع از امنیت کشور انجام دهد.

سندی که بر هراس عظیم رژیم از رشد جنبش کارگری دلالت دارد

سندی که کلیشه آنرا در مقابل مشاهده می‌کنید، بسیار معنی‌دار است. وزارت کار و امور اجتماعی از مدیریت کارخانه‌هایی خواهد که لیست تمامی کارکنان خود را همراه با مشخصات کامل و آدرس دقیق آنها به این وزارتخانه بفرستند. بر روی نامه‌هایی که به این منظور به مدیریت کارخانه‌ها فرستاده شده، مهر "محرمانه" زده شده است.

سلما لیست کارگران و کارمندان کارخانه‌ها و "مشخصات کامل و آدرس دقیق آنها" تنها به کار ساواک جمهوری اسلامی (وزارت اطلاعات) می‌آید و شعب این دستگاه تجسس و سرکوب که در ادارات کار مستقر شده‌اند، چنین نامه‌ای را برای مدیریت کارخانه‌های مختلف فرستاده‌اند، تا پیوندهای امنیتی و اطلاعاتی خود را کامل سازند.

این گونه تمهیدات امنیتی بر هراس عظیم رژیم از رشد جنبش کارگری دلالت دارد. تعدد و گستردگی اعتصابات و اعتراضات کارگری، به شدت بر خوف و بیم حکام مرتجع جمهوری اسلامی دامن زده است. آنها تاکنون به انواع شیوه‌ها و حیلها از تهدید و ارباب و

دستگیری و اخراج و نیز به خون کشیدن اعتصابات گرفته تا عوامفریبی‌هایی همچون قضیه فروش سهام کارخانه‌های دولتی به کارگران، تمسک جسته‌اند تا دامنه حرکات کارگری را مهار کنند و حال به فکر برنامه‌های دراز مدت افتاده‌اند، می‌خواهند همه کارگران را شناسایی کنند، برای همه کارخانه‌ها پرونده امنیتی بسازند، به زعم خود بتوانند با اخراج و دستگیری کارگران پیشرو و فعالین سازمانهای انقلابی در تمام کارخانه سکوت و خفقان برقرار سازند. اما آنها خیال باطلی را دوسر می‌پروراندند. اکنون جنبش کارگری به حدی توانمند است که رژیم با پیشگیریهای امنیتی نمی‌تواند آنرا تحت کنترل در آورد. همین دست و پا زدنهای رژیم قدرت جنبش کارگری و ضعف حکومت را در برابر آن می‌رساند. رژیم بیپوده گمان می‌برد که با دستگیری کارگران پیشرو خاصه کارگران هوادار سازمان‌ها، می‌تواند جنبش کارگری را فرو نشاند. این جنبش بنیادهای نیرومندی دارد و پرتوانتر از آن است که پیوندهای امنیتی بتواند مانعی در برابر رشد و گسترش بیشتر آن باشد.



اتحاد شوروی و مردم آن تماس مستقیم نداشته‌اند، مشکل بتوانند ابعاد آنچه را که "پاسداری از دوستی ملل" نام دارد، در این سرزمین کارگران دریابند.

نخستین دیدار ما در مسکو، تنها نمونه نبود. در این شهر، با افراد بسیاری برخورد کردیم که با علاقه و شوقی وصف ناپذیر، فرهنگ، زبان، سن و ... ملل دیگر، از جمله مردم ایران را می‌کاوند و با آنچنان محبتی از آن سخن می‌گویند که انکار سخن از میهن خودشان است. اصلاً دوستی با ملل دیگر با تار و پود وجود تک تک انسانهای شوروی در آمیخته، و این بقیه در صفحه ۶

به محض ورود به مسکو، دیدار آموزنده‌ای در انتظار ماست. منظورم دیدار با راهنمایی است که قرار است طی روزهای اقامت ما در پایتخت کشور شوراهای، شرکت ما در جشنواره را تسهیل کرده و نیز تا آن حدی که طی این مدت کوتاه امکان پذیر است، ما را با مسکو آشنا سازند. آنها با خوشرویی و فروتنی ویژه مردم شوروی به ما خوشامد گفتند دورشان حلقه زدیم و گفتگو آغاز شد. صحبت حول ایران و مردمش و سنن و آداب و رسوم ایرانیان متمرکز شد. راهنمایان بهترین بل را برای آغاز دوستی با یک جمع ایرانی برگزیده‌اند. و چه زود این دوستی گل می‌کند! بعد از گذشت مدت کوتاهی، به هم آنقدر نزدیکی که انگار چندین سال است که یکدیگر را می‌شناسیم. یکی از آنها خود را معرفی می‌کند: "دکترای زبان و ادبیات فارسی. رساله‌ام را درباره زبان بلوچی نوشته‌ام. فعلاً درباره زبان خاص کارگران بلوچی مهاجر در شیخ نشینها تحقیق می‌کنم" کسانی که با

خاطره‌هایی جاودانه

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، که چند گزارش پیرامون آن در شماره پیشین "اکثریت" به چاپ رسید، از آنچنان شگوه و گیرایی بیمانندی برخوردار بود که بدون تردید شرکت کنندگان در آن هیچگاه قادر نخواهند شد همه آن تحسین، اعجاب و شوری که در دلشان برانگیخته بازگو کنند. یکی از جوانان فدائی شرکت کننده در این فستیوال بی‌همتای، گوشه‌هایی از خاطراتش را به شرحی که می‌خوانید نگاشته و برای ما ارسال کرده است.



AKSARIYAT
NO.70
MONDAY AUG 19.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY